



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

رسالت عالی شہورائی

۱۰۰ درس و سخنرانی ویژه مبلغان

حضرت آیت اللہ العظمیٰ خاں علیہ السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسالت عاشورایی : (ده درس و سخنرانی ویژه مبلغان)

نویسنده:

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	رسالت عاشورایی : ده درس و سخنرانی ویژه مبلغان
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۲	فرازی از زیارت عاشورا
۱۳	سخن ناشر
۱۸	رسالت عاشورایی مبلغان
۱۸	اشاره
۲۰	اهمیت تبلیغ در ماه محرم
۲۰	نکاتی که در مورد تبلیغ باید بدانیم
۲۱	مخاطبان را به این مطالب حیاتی هشدار دهید
۲۳	اقلیم های تبلیغی را بشناسید
۲۳	با جوانان ارتباط صمیمی برقرار کنید
۲۴	درس های عاشورایی
۲۴	اشاره
۲۶	درس معرفت
۲۶	احادیث
۲۷	شاگردان مکتب پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۸	امام حسین علیه السلام، چراغ اسلام
۲۹	امام حسین علیه السلام، شمع بزم عالمان
۳۲	درس عبادت
۳۲	احادیث
۳۳	امام حسین علیه السلام، عابدترین بندگان
۳۶	درس سخاوت

۳۶	احادیث
۳۶	مولای نیازمندان
۳۶	قرضت را ادا می کنم
۳۸	درس حُسن معاشرت
۳۸	احادیث
۳۸	عذرپذیری امام حسین علیه السلام
۳۹	ادب نسبت به برادر
۴۰	جواب نیکی به بهتر
۴۲	درس عدالت خواهی
۴۲	احادیث
۴۲	امام عدالت خواه
۴۴	درس زهد
۴۴	احادیث در مذمت دنیا
۴۴	نگاه امام حسین علیه السلام به دنیا
۴۸	درس تواضع
۴۸	احادیث
۴۸	از افتادگی تا عزت
۴۹	آثار تواضع بر دوش حضرت
۵۰	درس شجاعت
۵۰	احادیث
۵۰	شجاعت راستین
۵۱	معیار بقای امت ها
۵۱	در رزمگاه امام حسین علیه السلام
۵۴	درس عزم و اراده
۵۴	احادیث
۵۴	عظمت در تصمیم

۵۶	عزم حسینی
۵۷	عظمت در مردانگی
۶۰	درس صبر
۶۰	احادیث
۶۰	مرد صبر
۶۱	صبر در جهاد
۶۳	صبر بر بلا
۶۴	صبر در هنگامه غضب
۶۸	فقه عزاداری
۶۸	اشاره
۷۰	مقاتل معتبر
۷۰	مجلس عزاداری به صورت تئاتر
۷۰	خواندن روضه بی سند
۷۱	خصوصیات مداح
۷۱	مداحی با ریتم موسیقی و غنا
۷۱	صدای زنان نوحه خوان
۷۲	تقلید صدای حیوانات در عزاداری
۷۲	برهنه شدن هنگام سینه زنی
۷۲	پابره‌نه رفتن در عزاداری
۷۳	گریبان چاک زدن
۷۳	هروله
۷۴	پوشیدن لباس مشکی در عزاداری
۷۴	تعزیه خوانی
۷۴	آلات موسیقی در عزاداری
۷۴	نماز ظهر عاشورا
۷۵	دسته های عزا و سد معبر

۷۵	استفاده از عَلم
۷۵	نخل گردانی
۷۶	شمع روشن کردن در شام غریبان
۷۶	تصاویر منسوب به ائمه علیهم السلام
۷۶	مصرف هدایا و نذورات در غیر مورد
۷۷	زنجیرهای تیغ دار
۷۷	خراشیدن صورت
۷۸	اشعار عاشورایی
۷۸	اشاره
۸۰	سلطان عشق
۸۱	انقلاب محرم
۸۳	خطاب به مردم کوفه
۸۵	روز عاشورا
۸۷	کشته راه خدا
۹۰	مصیبت های عاشورایی (از مرحوم حضرت آیت الله آخوند ملا محمد جواد صافی گلپایگانی رحمه الله)
۹۰	اشاره
۹۲	مصیبت اول
۹۳	مصیبت دوم
۹۴	مصیبت سوم
۹۵	مصیبت چهارم
۹۶	مصیبت پنجم
۹۶	مصیبت ششم
۹۷	مصیبت هفتم
۹۸	مصیبت هشتم
۹۹	مصیبت نهم
۹۹	مصیبت دهم

ليست آثار حضرت آيت الله العظمى صافى مدظله العالى ١٠١

درباره مركز ١١١

رسالت عاشورایی : ده درس و سخنرانی ویژه مبلغان

مشخصات کتاب

سرشناسه : صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۲۹۸ -

عنوان و نام پدیدآور : رسالت عاشورایی (ده درس و سخنرانی ویژه مبلغان) [کتاب] / صافی گلپایگانی.

مشخصات نشر : قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، ۱۴۳۳ ق = ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۹۶ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵-۴۸-۳

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق -- مقاله ها و خطابه ها

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق -- احادیث

موضوع : واقعه کربلا، ۶۱ ق -- مقاله ها و خطابه ها

موضوع : عاشورا -- مقاله ها و خطابه ها

شناسه افزوده : دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

رده بندی کنگره : BP۴۱/۵ /ص ۵۲۴ ر ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۳۴

شماره کتابشناسی ملی : ۳۵۳۹۴۲۶

ص : ۱

اشاره

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اِبَاعَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،
 وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، وَالْوَثَرَ الْمُؤْتُونَ، السَّلَامُ
 عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنْ جَمِيعِ سَلَامِ اللَّهِ اِيْدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، يَا اِبَاعَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتْ
 الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِعَيْبِكَ عَلَيْنَا، وَعَلَى جَمِيعِ اَهْلِ الْاِسْلَامِ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَوَاتِ، عَلَى جَمِيعِ اَهْلِ
 السَّمَوَاتِ، فَلَعَنَ اللَّهُ اُمَّهُ اَسَسَتْ اَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الْاَسِيْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ اُمَّهُ دَفَعْتُكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ، وَاَزَالْتُكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ
 الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا، وَلَعَنَ اللَّهُ اُمَّهُ قَتَلْتُكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالْتَمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ، بَرِئْتُ اِلَى اللَّهِ وَالْيَكْمِ مِنْهُمْ وَمِنْ اَشْيَاعِهِمْ
 وَاتَّبَاعِهِمْ وَاَوْلِيَائِهِمْ، يَا اِبَاعَبْدِ اللَّهِ، اِنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سَالَمَكُمْ، وَحَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبَكُمْ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ،
 وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي اَمِيَّةَ قَاطِبَةً، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ، وَلَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعَنَ اللَّهُ شِمْرًا، وَلَعَنَ اللَّهُ اِسْرَجَتْ وَالْجَمَّتْ وَتَنَقَّبَتْ
 لِقِتَالِكَ، يَا اَبِي اَنْتَ وَاُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِعَيْبِكَ، فَاسْئَلِ اللَّهَ الَّذِي اَكْرَمَ مَقَامَكَ وَاَكْرَمَنِي بِكَ اِنْ يَرْزُقْنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ اِمَامٍ
 مَنْصُورٍ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

وسعت و عمق نفوذ حماسه‌ی پایدار عاشورا - که خود نشانگر معجزه بودن این حادثه عظیم است -، به تعبیر والای مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی صافی، آن را تبدیل به یک دانشگاه عظیم نموده است:

«به راستی چه دانشگاهی مانند این دانشگاه، به این وسعت در طول قرون و مرور اعصار، دانشجو داشته است؟ دانشجویانی، مانند شیخ مفیدها و شیخ طوسی‌ها و ده‌ها هزار نخبه‌ی برجسته و ممتاز و هزاران شهید که به حضور خود در این مکتب، افتخار می‌نمایند و همه از برکات این دانشگاه، بهره‌مند و از خوان نعمت گسترده‌ی امام حسین علیه السلام برخوردارند.»

در این دانشگاه بزرگ، باید معارف مکتب حسینی علیه السلام و رسالت‌های عاشوراییی تعلیم داده شود و شعار عزت‌مداری سیدالشهداء علیه السلام؛

«هیئات منا الذله»، تبیین گردد.

از دیرباز تاکنون، طلاب حوزه‌ی مبارکه قم، در فرصت‌های تبلیغی، مثل محرم و صفر، برای تبلیغ این معارف و مطالب حیاتی به شهرها و روستاهای مختلف می‌روند و با استعانت از آثار معتبر و مهمی که پیرامون این واقعه‌ی بزرگ به زیور طبع آراسته شده است، این مکتب را ترویج و تبلیغ می‌نمایند.

«رسالت عاشورایی» که برگرفته از آثار ارزشمند مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی صافی و نیز والد معظمشان می‌باشد در همین راستا، گردآوری شده است، امید است مرضی حضرت بقیه الله علیه السلام قرار گیرد.

مرکز تنظیم و نشر آثار معظم له

اهمیت تبلیغ در ماه محرم

حوزه علمیه ی کهنسال قم، در این دوره ی جدید که از سال ۱۳۴۰ هـ. ق به همت مرحوم آیت الله العظمی حائری قدس سره بازگشایی شد، در کنار برنامه های تحصیلی، علمی و تحقیقی و تربیت اساتید بزرگ، علما، آیات، مراجع، مؤلفان، گویندگان، وعاظ و مبلغان لایق، موضوع تبلیغ و نشر معارف دین و آثار و احادیث اهل بیت علیهم السلام و آشنا کردن جوامع شهری و روستایی و خلاصه، همه جامعه را با احکام اسلام نیز نصب العین قرار داد، و در این راه، با استفاده از مکتب حسینی و علاقه ی باطنی و پاک مردم به ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام، به خصوص واقعه ی جانسوز کربلا بهره ها گرفت و علاوه بر ماه مبارک رمضان و فرصت های دیگر در ماه محرم در پرتو بیان مصائب آن حضرت و مقاصد نهضت بی نظیر کربلا، این مدرسه ی الهی هدایت و ارشاد، در طول بیش از هشتاد سال که از عمر با برکت آن می گذرد، خدمات تبلیغی خود را ادامه داده است و در برابر انحرافات، کج روی ها، کج فهمی ها، بدعت ها و اختناق، مثل اختناق رضاخانی، ایستادگی ها نموده و مواضع و مقاومت این حوزه در ابطال باطل و حفظ عقاید جامعه همواره مؤثر و کارساز بوده است.

نکاتی که در مورد تبلیغ باید بدانیم

حقیر، مناسب دیدم بعضی نکات را که شاید از نظر خود آقایان و بسیاری از

دیگران پنهان نباشد، تذکراً به عرض برسانم:

مخاطبان را به این مطالب حیاتی هشدار دهید

«اوضاع و احوال چنان پیش آمده است که رویارویی تازه ای بین اسلام و کفر را نشان می دهد؛ انقلاب اسلامی ایران، احیای تفکر اسلامی، گرایش مسلمانان به استقلال اسلامی و بازگشت به مجد و عظمت دیرین و خلاصه، بیداری و هشیاری فراگیر به خصوص در طبقه ی جوان و تحصیل کرده و موارد دیگر، موجب شده که دشمنان اسلام، که تقریباً پس از جنگ جهانی اول بر کشورهای پهناور اسلامی؛ مستقیم یا غیر مستقیم مسلط شده و آنها را با تشکیل حکومت های دست نشانده زیر نفوذ خود قرار داده بودند، از قطع نفوذ و سلطه خود بیمناک شوند، و از این رو در مقام معارضة و کوبیدن مسلمانان و صدای اسلام خواهی برآمده و با تبلیغات گسترده و وسایل گوناگون ظاهری و سرّی، سیاسی و اقتصادی و حتی توسل به نیروی نظامی، با تمام توان عمل می کنند.

باید مسلمانان را به استقامت، صبر، پایداری و امیدواری به نصرت خدا و غلبه بر اعدا، تشویق و ترغیب نمود.

غرب گرایی و پیروی از عادات و رفتار غربی ها و تقلید از آنها حتی در لباس و امور به ظاهر کوچک تا برسد به امور مهم، مانند ترویج اختلاط زن و مرد، عنوان ها و شعارهایی، مثل رفع تبعیض از زنان یا به بهانه ی آزادی بیان و آزادی مطلق، بعضی احکام شرع را زیر سؤال بردن و ترویج موسیقی، نوازندگی، ملاحی، تشویق فراوان به اصطلاح خودشان از هنرمندان بی اعتنا به شرع و تنازل از شعارهای اسلامی، همه حرکت به سوی تغییر هویت اسلامی یا تضعیف آن می باشد.

باید به مسلمان ها هشدار داده شود که به خطرات این گرایش های غرب مآبانه که متأسفانه گسترده می شود، توجه داشته باشند و هویت اسلامی شان را از جان خود هم عزیزتر بدانند و در همه جا و در همه مواضع به آن ملتزم و متعهد باشند و به آن افتخار کنند؛ به اسلام، به قرآن، به تشیع، به ولایت ائمه علیهم السلام افتخار کنند و تمدن و اخلاق اسلامی را برتر از هر تمدن، اخلاق و مدنیته بدانند. (۱)

راه امام حسین علیه السلام، راه قرآن و راه عمل به احکام و راه افتخار به اسلامیت و توحید و ایمان به خداست، راه شرق و غرب و یمن و یسار نیست. راه افتخار به دوران های کفر و بت پرستی یا آتش پرستی و شرک یزدان و اهرمن و استکبار فرعون و نمرود و جمشید نیست. راه امام حسین، راه ترویج فساد و نوازندگی و معاصی و ملامتی و فخر به این برنامه ها نیست. راه امام حسین، راه تجمل پرستی و اسراف و علو و گردن کشی و استحقار مردم نیست. اعلام امام حسین و ابلاغش، ابلاغ قرآنی، مساوات زن و مرد در ارزش های حقیقی است:

«إِنَّ الْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَائِضِينَ وَالْخَائِضَاتِ وَالْمُتَصِدِّقِينَ وَالْمُتَصِدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (۲)

در جامعه ای که در راه امام حسین است، این امور، ارزش و افتخار است و

ص: ۱۳

۱- ۱. پیام بمناسبت حلول محرم الحرام ۱۴۲۳ هـ - ق.

۲- احزاب؛ ۳۵.

زنان با مردان در این ارزش‌ها باید هم‌تراز و بلکه مسابقه داشته باشند و مختلط‌شدن آنها با بیگانگان در مجالس و محافل، در دانشگاه و مدارس، در محل کار و مدیریت‌ها و مشاغل که در ارتباط مستمر با بیگانگان است، با شأن و پارسائی و تربیت اسلامی زن مسلمان سازگار نیست و غرب‌زدگی حاکی از ضعف هویت و شخصیت است. باید در این ماه محرم و صفر، آقایان فضلا و علما و اساتید و خطبا در سخنرانی‌ها و مواعظ و منبرهائی که دارند مردم را به این مطالب حیاتی توجه دهند.

اقلیم‌های تبلیغی را بشناسید

بدیهی است در سخنرانی‌ها و مناظر و مطالب، حدیث شریف و پرمعنای «حدّثوا الناس بما یفهمون او یعرفون و لاتحدّثوهم بما لایفهمون او لایعرفون»، دستورالعمل است و مقتضای بلاغت در کلام و تکلم به مقتضای حال نیز همین است، و برنامه‌ی انبیا علیهم السلام در تبلیغ نیز همین بوده و مناسب این است که در هر منطقه و ناحیه‌ای بررسی فرموده و نقاط ضعف دینی و مذهبی را اگر در آنجا وجود دارد - شناسایی نمایید و به نحو شایسته در سخنرانی‌ها رفع آن نقاط ضعف را در نظر داشته باشید.

با جوانان ارتباط صمیمی برقرار کنید

با جوانان و نوجوانان عزیز به ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان، ارتباط برقرار نمایید و به گرمی از آنها استقبال و پذیرایی کنید و با حوصله به پرسش‌ها و مطالب آنان گوش فرا داده و پاسخ دهید. (۱)

ص: ۱۴

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ؛ أَلَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُغَاءَ الْعِلْمِ.

قال أمير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ أَلَا وَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ أَوْجَبَ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلَبِ الْمَالِ إِنَّ الْمَالَ مَقْسُومٌ مَضْمُونٌ لَكُمْ قَدْ قَسَمَهُ عَادِلٌ بَيْنَكُمْ وَضَمِنَهُ وَسَيَفِي لَكُمْ وَالْعِلْمُ مَخْزُونٌ عِنْدَ أَهْلِهِ وَقَدْ أَمَرْتُمْ بِطَلْبِهِ مِنْ أَهْلِهِ فَاطْلُبُوهُ.

قال الصادق عليه السلام: تَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ مِنْكُمْ فِي الدِّينِ فَهُوَ أَعْرَابِيٌّ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ.

قال الصادق عليه السلام: يَقُولُ عَلَيْكُمْ بِالتَّفَقُّهِ فِي دِينِ اللَّهِ وَ لِمَا تَكُونُوا أَعْرَابًا فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ فِي دِينِ اللَّهِ، لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَمْ يُرَكَّ لَهُ عَمَلًا.

قال الصادق عليه السلام: قَالَ لَوَدِدْتُ أَنَّ أَصْحَابِي ضُرِبَتْ رُءُوسُهُمْ بِالسَّيَاطِ حَتَّى يَتَفَقَّهُوا. (١)

ص: ١٧

احادیث معتبر بر این مطلب دلالت دارند که پیغمبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و فرزندان را به دانش‌هایی مخصوص گردانید. کتابی به خط علی علیه السلام و املائی پیغمبر صلی الله علیه و آله همواره در این خاندان مورد استناد و مراجعه بوده است، در حقیقت، تبلیغات و تعلیمات امامان علیهم السّلام و سیره و روش آنها مکمل و متمم هدف پیغمبر صلی الله علیه و آله در تربیت جامعه و هدایت بشر می باشد.

بر اساس حدیث متواتر و مشهور ثقلین، پیغمبر صلی الله علیه و آله جمیع امت را به این بزرگواران ارجاع داده است. با وجود این حدیث شریف، صلاحیت علمی اهل بیت پیغمبر، ظاهر و آشکار می گردد.

علاوه بر اینها روایات بسیار دیگری از طرق اهل سنت دلالت دارند بر آن که در بین تربیت شدگان مکتب نبوت، علی علیه السلام بیشتر از همه صحابه، از تابش انوار نبوت استفاده کرد؛ او بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله مرجع عموم در مسائل مشکل علمی می باشد و علوم شرعیه همه به آن سرور منتهی می شود.

بعد از علی علیه السلام، منصب الهی امامت و رهبری علمی و دینی با فرزندان حضرت امام حسن مجتبی و حضرت امام حسین، سیدالشهداء علیهما السلام بود.

آنها ملجأ و پناه مردم در مسائل اسلامی، علوم تفسیر و احکام شرعی بودند؛ سخنشان قاطع و مقبول، و روششان سرمشق و میزان بود.

هر چه بیشتر در حالات سیدالشهداء علیه السلام دقیق شویم این رمز بر ما آشکارتر می شود که در امر دین، بصیرتی خارق العاده و بینشی غیبی، راهنمای آن حضرت بوده است.

علم و دانش آن بزرگوار از احتجاجات او با دشمنان اهل بیت، بخصوص معاویه و مروان، از نامه هایی که به معاویه مرقوم فرموده، از خطبه هایی که به مناسبت های مختلف انشاء نموده اند و از دعای عرفه، و دعاهاى دیگری که از آن حضرت در کتاب های شیعه و سنی نقل است، ظاهر و آشکار می گردد.

نافع بن ازرق، رهبر فرقه ازرقه خوارج به امام حسین علیه السلام عرض کرد:

«خدایی را که می پرستی برای من توصیف کن!»

امام حسین علیه السلام فرمود:

يا نافع من وضع دينه على القياس لم يزل الدهر في الالتباس ماثلاً ناكباً عن المنهاج ظاعناً بالاعوجاج ضالاً عن السبيل قائلاً غير الجميل يابن الأزرق اصف الهى بما وصف به نفسه لا يدرك بالحواس، ولا يقاس بالناس قريب غير ملتصق، وبعيد غير مستقصى يوحد، ولا يعض مغروف بالآيات موصوف بالعلامات لا اله الا هو الكبير المتعال؛ ای نافع! هر کس دین خود را بر قیاس بسازد همواره در اشتباه است و در راه به صورت افتد، به اعوجاج و کژی کوچ کند، گمراه گردد و سخنان نازیبا گوید. ای پسر ازرق! من خدایم را وصف می کنم به آنچه او خود را وصف فرموده است. او به حواس ادراک نشود و به مردم قیاس نگردد.

نزدیک است اما به چیزی چسبیده نیست، دور است اما دوری نجسته (دوری و نزدیکی خداوند مانند دوری و نزدیکی موجودات دیگر نیست. دوری و نزدیکی او با حواس مادی قابل درک نمی باشد) او یگانه است و تبعیض، تجزیه و ترکیب در او راه ندارند، و به نشانه ها شناخته شده و به علامت ها وصف گردیده است؛ غیر از خداوند بزرگ و بلند مرتبه، خدایی نیست.

ابن ازرق گریست و گفت:

«ما احسن کلامک»؛ چقدر نیکو است کلام تو!

امام حسین علیه السلام فرمود: «به من رسیده که تو بر پدر و برادرم و بر من گواهی به کفر می دهی!»

ابن ازرق گفت: «أما والله يا حسين لئن كان ذلك لقد كنتُم منار الإسلام و نُجوم الأحكام»؛ یا حسین! اگر این ناسزا از من صادر شده، به خدا سوگند! به یقین، شما چراغ اسلام و ستارگان احکام خدایید. (۱) یعنی مردم باید از انوار علوم و معارف شما روشنی بجویند و در تاریکی ها به ستاره های وجود شما هدایت گردند.

امام حسین علیه السلام، شمع بزم عالمان

ابن کثیر در کتاب خود آورده است: «امام حسین علیه السلام و ابن زبیر از مدینه به سوی مکه بیرون شدند و در مکه اقامت گزیدند. امام حسین علیه السلام مورد توجه مردم قرار گرفت. آنها به سوی او می آمدند در اطراف او می نشستند

ص: ۲۰

۱- سمو المعنی؛ ص ۱۴۸؛ به نقل از تاریخ دمشق؛ ج ۴، ص ۳۲۳.

وسخنش را می شنیدند و از آنچه از او می شنیدند سود می جستند و گفته هایش را ضبط کرده و می نوشتند تا از او روایت کنند.»

علائلی در سمو المعنی نگاشته است: «مردم چنان شیفته معنویت و عظمت روح امام حسین علیه السلام بودند و چنان امام حسین علیه السلام محبوبیت داشت که از همه کس و همه جا منصرف و منقطع شده و به سوی او می شتافتند. کسی جز امام حسین علیه السلام نبود که این همه مرید و ارادتمند داشته باشد؛ گویی مردم در وجود امام حسین علیه السلام حقیقت دیگری از عالم ابداع الهی را تماشا می کردند. چون امام حسین علیه السلام سخن بگوید مثل آن است که زبان عالم غیب باز شده و آنها را از رموز و اسرار پنهان و حقایق نهان آگاه می سازد؛ و زمانی که خاموش می شد، سکوتش به گونه ای متفاوت آنها را از حقایق دیگر با خبر می ساخت؛ زیرا پاره ای از حقایق را جز با خاموشی عمیق نمی توان اظهار کرد؛ مثل نقطه و فاصله ای که در میان سطرها، کلمه ها و جمله ها می گذارند و همان نقطه ه ه خالی از نوشته، مانند نوشته های کتاب، معنایی می دهد که جز با آن نقطه با هیچ نوشته ای آن معنا را نمی توان بیان کرد.»

کلام فوق نشان از واقعیتی انکارناپذیر از محبوبیت علمی امام حسین علیه السلام در میان مردم دارد. با آن که مردم در فشار حکومت بوده و جاسوسان و کارآگاهان همه جا در تعقیب آنها بودند تا کسی با امام حسین علیه السلام رابطه نداشته باشند، اما قدرت سرنیزه و زور نظامی چگونه می تواند مردم را از خودشان، دلشان و ضمیرشان جدا کند؟ قدرت، هر میزان که باشد نمی تواند بر شعور بشر مسلط شود و سرنیزه هر قدر که کاری و نافذ باشد به باطن انسان و معنویت او نفوذ نمی کند.

علائلی در ادامه آورده است: «حسین علیه السلام کثیر الحدیث و الروایه بود، آن زمان با اینکه تعداد بسیاری از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل حدیث می کردند، اما مردم همه آنها را ترک کرده و به مجلس حسین علیه السلام می آمدند.» پس از این، علائلی احادیثی از آن حضرت نقل می کند. (۱)

اخباری که از امام حسین علیه السلام نقل شده حاکی از علم و ذوق سرشار، قوت فطانت، استعداد و قریحه و استحکام منطق اوست. این اخبار بیش از آن است که قابل شمارش باشد. آن حضرت به گونه ای در مسائل علمیه با جودت ذهن و حدت خاطر اظهار نظر می کرد و فتوا می داد که موجب تحیر مردم

می شد، تا حدی که عبدالله بن عمر در حق او گفت: «أَنَّه يُغَيِّرُ الْعِلْمَ غَرًّا» (۲)

هم چنان که مرغ، جوجه خود را با منقار خود غذا می دهد، امام حسین علیه السلام نیز در بیت نبوت و ولایت از سرانگشت علوم رسول خدا صلی الله علیه و آله غذا خورد، و از سینه معارف اسلام شیر مکید و رشد و نمو یافت.

ص: ۲۲

۱- سمو المعنى؛ ص ۹۷.

۲- همان؛ ص ۱۴۸.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي التَّوَرَاهِ مَكْتُوبٌ يَا ابْنَ آدَمَ! تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمَلًا قَلْبِكَ غَنِيًّا وَ لَا أَكَلِكَ إِلَى طَلْبِكَ وَعَلَى أَنْ أَسِيدَ فَاقْتِكَ وَأَمَلًا قَلْبِكَ خَوْفًا مِنِّي وَإِنْ لَا تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمَلًا قَلْبِكَ شُغْلًا بِالدُّنْيَا ثُمَّ لَا أَسُدُّ فَاقْتِكَ وَأَكَلِكَ إِلَى طَلْبِكَ.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا عِبَادِيَ الصَّادِقِينَ تَعَمَّوْا بِعِبَادَتِي فِي الدُّنْيَا فَإِنَّكُمْ تَتَّعَمُونَ بِهَا فِي الْآخِرَةِ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَ أَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَ بَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَ تَفَرَّغَ لَهَا فَهُوَ لَا يُبَالِي عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى عَشْرِ أُمِّ عَلَى يُسْرِ.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْعِبَادَ ثَلَاثَةٌ؛ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَوْفًا فَتَلَكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ فَتَلَكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حُبًّا لَهُ فَتَلَكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا أَفْبَحَ الْفَقْرَ بَعْدَ الْغِنَى وَ أَفْبَحَ الْخَطِيئَةَ بَعْدَ الْمَسْكَنَةِ وَ أَفْبَحَ مِنْ ذَلِكَ الْعَابِدُ لِلَّهِ ثُمَّ يَدْعُ عِبَادَتَهُ.

قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَمِلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ، فَهُوَ مِنْ أَعْبِدِ النَّاسِ. (١)

ابن عبدالبر و ابن اثیر از مصعب زبیری روایت کرده اند که می گفت:

«حسین با فضیلت و متمسک به دین بود و نماز و روزه و حج او بسیار بود.»^(۱) عبدالله بن زبیر در وصف عبادت او گفت:
«حسین در شب بیدار و در روز، روزه دار بود.»

عقاد می گوید: «علاوه بر نمازهای پنجگانه، نمازهای دیگر نیز به جا می آورد و علاوه بر روزه ماه رمضان، در ماه های دیگر هم روزهایی را روزه می گرفت، و در هیچ سال حج خانه خدا از او فوت نشد مگر آن که ناچار به ترک شده باشد.»^(۲)

در شبانه روز، هزار رکعت نماز به جای می آورد، و بیست و پنج مرتبه پیاده حج گذارد و این دلیل کمال عبادت و خضوع او به درگاه خداست. روزی از روزها، رکن کعبه را گرفته بود و بدین گونه دعا و اظهار بندگی و ذلت به درگاه خدای عزیز می کرد و او را مدح و ثنا و ستایش می نمود:

إِلٰهِی نَعْمَتِنِی فَلَمْ تَجِدْنِی شَاكِرًا وَ ابْتَلَيْتِنِی فَلَمْ تَجِدْنِی صَابِرًا فَلَا اَنْتَ سِیَلَبْتَ النَّعْمَةَ بِتَرْكِ الشُّكْرِ، وَ لَا اَدَمَّتِ الشَّدَّةُ بِتَرْكِ الصَّبْرِ
إِلٰهِی مَا یَكُونُ مِنَ الْكَرِیْمِ اِلَّا الْكَرِیْمُ^(۳) «خدایا! مرا نعمت بخشیدی و شکر مرا نیافتی، به بلا گرفتارم نمودی و صبر مرا دریافت نکردی، نعمتت را از من دریغ نورزیدی و با ترک صبرم شدت بلا را

ص: ۲۴

۱- اسدالغابه؛ ج ۲، ص ۲۰ - استیعاب؛ ج ۱، ص ۳۷۸.

۲- ابوالشهداء؛ ص ۷۳.

۳- اسعاف الراغیین؛ ص ۱۸۳.

بیشتر نمودی. پروردگارا! از کریم غیر از کرم نسزد».

اگر کسی بخواهد حال دعا و پرستش و مسکنت آن امام مجاهد مظلوم را در درگاه خدا بداند کافی است که به همان دعای معروف عرفه رجوع نماید.

ص: ۲۵

احادیث

قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: السَّخَاءُ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ أَغْصَانُهَا فِي الدُّنْيَا، مَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهَا قَادَهُ ذَلِكَ الْغُصْنُ إِلَى الْجَنَّةِ. وَ الْبُخْلُ شَجَرَةٌ فِي النَّارِ أَغْصَانُهَا فِي الدُّنْيَا، مَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهَا قَادَهُ ذَلِكَ الْغُصْنُ إِلَى النَّارِ.

قال رسول الله صلى الله عليه و آله لعدي بن حاتم طي: دُفِعَ عَنْ أَبِيكَ الْعَذَابُ الشَّدِيدُ لِسَخَاوَةِ نَفْسِهِ.

قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِيَّاكَ وَ السَّخِيَّ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْخُذُ بِيَدِهِ.

مولای نیازمندان

امام حسین علیه السلام، نماز را به جای آورد و بیرون آمد. اعرابی تنگدستی را مشاهده نمود، برگشت و قبر را صدا زد.

قنبر گفت: لَبَّيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ.

فرمود: «از پول مخارج ما چقدر مانده است؟»

عرض کرد: «دویست درهم که فرمودی در بین اهل بیت، قسمت کنم.»

فرمود: «آن را بیاور! کسی آمده که از آنها به آن پول سزاوارتر است.» سپس آن پول را گرفت، بیرون آمد و به اعرابی داد.

قرضت را ادا می کنم

روزی آن حضرت برای عیادت و احوالپرسی اسامه بن زید به منزل او رفت.

اسامه ناله می کرد و از غمناکی خود می گفت.

فرمود: «برادر چه غمی داری؟»

عرض کرد: «قرضی دارم که شصت هزار درهم است.»

امام حسین علیه السلام فرمود: «آن بر عهده من است.»

اسامه گفت: «می ترسم بمیرم و قرضم ادا نشده باشد.»

فرمود: «نمی میری تا من آن را ادا کنم.»

ایشان آن قرض را پیش از مرگ او ادا کرد. (۱)

ص: ۲۸

۱- سمو المعنی؛ ص ۱۵۱ و ۱۵۲.

احادیث

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ، اعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَمْلِكْ نَفْسَهُ عِنْدَ غَضَبِهِ، وَ مَنْ لَمْ يُحْسِنْ صُحْبَةَ مَنْ صَحِبَهُ، وَ مُخَالَفَةَ مَنْ خَالَفَهُ، وَ مُرَافَقَةَ مَنْ رَافَقَهُ، وَ مُجَاوَرَةَ مَنْ جَاوَرَهُ، وَ مُمَالَحَةَ مَنْ مَالَحَهُ.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»، كَمَا أَنَّ يُوَسِّعُ الْمَجْلِسَ، وَ يَسْتَقْرِضُ لِلْمُحْتِيَاجِ، وَ يُعِينُ الضَّعِيفَ.

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَظُمُوا أَصِحَابَكُمْ وَ قَرُّوهُمْ، وَ لَا يَتَهَجَّمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ، وَ لَا تَضَارُّوا، وَ لَا تَحَاسَدُوا، وَ إِيَّاكُمْ وَ الْبُخْلَ، كُونُوا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ.

عذرپذیری امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام در آداب اجتماعی و حسن معاشرت با دور و نزدیک، بلند پایه و بی نظیر بود. خصال آن حضرت، سرشار از عفو و گذشت است.

جمال الدین محمد زرنندی حنفی مدنی روایت کرده که از حضرت زین العابدین از پدرش امام حسین علیه السلام نقل می کند که فرمود: «اگر مردی به من دشنام دهد در این گوش (و به گوش راستش اشاره فرمود) و عذر بیاورد در گوش دیگرم، عذر او را می پذیرم؛ زیرا امیرالمؤمنین علیه السلام از جدم پیغمبر صلی الله علیه و آله برای من نقل فرمود:

لَا يَرِدُ الْحَوْضَ مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُحِقٍّ أَوْ مُبْطِلٍ

وارد حوض (کوثر) نمی شود کسی که عذر را نپذیرد؛ خواه عذر آور حق بگوید یا باطل. (۱)

ادب نسبت به برادر

امام حسین علیه السلام با فرزندان، بانوان، خویشان و اهل بیت خود در نهایت ادب، محبت، رحمت، مهربانی، انس و مودت برخورد می کرد.

ابن قتیبه روایت می کند که مردی خدمت امام حسن علیه السلام آمد، و از آن حضرت درخواست چیزی کرد.

حضرت فرمود: «سؤال، شایسته نیست مگر برای وام سنگین یا فقر خوارکننده و یا دیه و تاوانی که ادا نکردن آن سبب رسوایی شود.»

عرض کرد: «نیامدم به خدمت شما مگر برای یکی از آنها.»

حضرت، فرمان داد تا صد دینار به او دادند.

سپس آن مرد خدمت امام حسین علیه السلام رفت و از آن حضرت نیز سؤال کرد، امام حسین علیه السلام هم همان سخن برادرش را به او فرمود و همان پاسخ را شنید؛ سپس پرسید: «برادرم به تو چقدر داد؟»

عرض کرد: «صد دینار.»

امام حسین علیه السلام نود و نه دینار به او عطا کرد؛ زیرا نخواست با برادرش برابری کرده باشد. (۲)

ص: ۳۰

۱- نظم درر السمطين؛ ص ۲۰۹.

۲- سمو المعنى؛ ص ۱۵۲.

یاقوت مستعصمی از انس روایت می کند که در خدمت امام حسین علیه السلام بودم؛ کنیزکی دسته گلی برای آن حضرت آورد. امام حسین علیه السلام فرمود:

أَنْتِ حُرَّةٌ لَوْ جِهَ اللَّهُ تَعَالَى

تو برای خدا آزادی.

گفتم: «کنیزکی یک دسته گل برایت آورده و تو او را آزاد می کنی؟» فرمود: «این چنین خدا به ما ادب آموخته است؛ زیرا می فرماید:

«وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها» (۱)

هرگاه کسی شما را ستایش کند، شما نیز باید در مقابل به ستایشی بهتر از آن، یا مانند آن، پاسخ دهید. و نیکوتر از این دسته گل، آزاد ساختن او بود. (۲)

ص: ۳۱

۱- نساء؛ ۸۶.

۲- سمو المعنی؛ ص ۱۵۹ - ابوالشهداء؛ ص ۷۲.

احادیث

قَالَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُنَّا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا (۱)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: الْعَدْلُ جُنَّةٌ وَاقِيَةٌ وَ جُنَّةٌ بَاقِيَةٌ. (۲)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَامِلُ بِالظُّلْمِ وَ الْمُعِينُ لَهُ وَ الرَّاضِي بِهِ شُرَكَاءُ، ثَلَاثَتُهُمْ. (۳)

امام عدالت خواه

یکی از داستان هایی که گواه بر شدت علاقه امام حسین علیه السلام به دفاع از مظلومین و حمایت از بیچارگان بی پناه می باشد، داستان اربن دخترا اسحاق و همسر عبدالله بن سلام است. یزید که به اصطلاح، شاهزاده و ولیعهد معاویه بود و تمام اسباب شهوترانی، از جمله پول، مقام، زور، کنیزکان ماهرو و زن های رقاصه و خواننده خودفروش در اختیارش بودند، با این وجود، باز چشم طمع به بانوی شوهرداری دوخت که باید او و پدرش معاویه پاسدار عصمت و عفت او باشند. یزید همچون اراذل و شهوت پرستانی که در وفور عیش و نوش حکومت، تربیت می شوند ناآرام شد، اما از آنجا که آن زن، نجیب، پاکدامن و عقیفه بود دسترسی به او از راه فریب و منحرف ساختن وی از طریق پارسایی

ص: ۳۳

۱- نهج البلاغه؛ ح ۴۸.

۲- بحار الانوار؛ ج ۱۷، ص ۴۷.

۳- کافی؛ ج ۲.

محال می نمود.

معاویه ناپاک، که خود را امیرالمؤمنین می خواند، برای خواهش نفس و شهوت یزید دست به نیرنگ بسیار عجیب و بی سابقه ای زد. او مرد بدبخت را از زن عقیقه و زیبایش جدا نمود و مقدمات کامیابی یزید از آن زن را فراهم ساخت.

اما امام حسین علیه السلام با غیرت و جوانمردی در مقابل این تصمیم زشت و شیطانی معاویه ایستاد، و نقشه او را نقش بر آب کرد.

امام حسین علیه السلام غیرت و حمیت هاشمی و علاقه خود به حفظ نوامیس مسلمین را نشان داد و مانع از رسیدن یزید به هوس ناپاک و شریرش گردید.

افتراقی را که معاویه با نیرنگ ایجاد کرد، به اتصال مبدل نمود، و آن ستم بزرگ را از عبدالله بن سلام و همسرش دفع گردانید. این داستان در تاریخ مفاخر آل علی علیه السلام و مظالم بنی امیه جاودان باقی مانده است.^(۱)

ص: ۳۴

۱- در بعضی از خصوصیات این داستان مانند بعضی اعلام اختلافاتی بین مصادر آن دیده می شود. آنچه که ما اجمال آن را نقل کردیم موافق است با نقل شبرای در «الاتحاف»، وابن قتیبه در «الامامه والسیاسه».

احادیث در مذمت دنیا

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ وَجُعِلَ مِفْتَاحُهُ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا تَخَلَّى الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا سَمًا وَوَجَدَ حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِجَدِيٍّ أَسَكَّ مُلْقَى عَلَى مَرْبَلَةٍ مَيْتًا. فَقَالَ لِأَصْبَحِيهِ كَمْ يُسَاوِي هَذَا؟ فَقَالُوا لَعَلَّهُ لَوْ كَانَ حَيًّا لَمْ يُسَاوِ دِرْهَمًا فَقَالَ النَّبِيُّ: وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لِلدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَذَا الْجَدِيِّ عَلَى أَهْلِهِ. (۱)

نگاه امام حسین علیه السلام به دنیا

بهترین نشانه زهد کامل و خوار شمردن دنیا، همان فداکاری و گذشت سیدالشهداء علیه السلام از جان خود، جوانان، برادران، اصحاب و یاران و تن دادن به آن همه مصیبت و بلا بود.

اگر دنیا و مال و نعمت های دنیوی در نظر کسی بی قدر و ارزش نباشد نمی تواند این گونه در راه حق و یاری دین خدا و بزرگداشت هدف عالی خود پایداری و استقامت ورزد تا به حدی که بدن قطعه قطعه عزیزانش را ببیند، صدای ناله کودکانش را از زحمت تشنگی بشنود، گریه زن و فرزند، دل پر مهر و عاطفه او را به درد آورد و برپیکرش آن همه زخم های کاری وارد آید اما در

ص: ۳۵

یاری دین خدا ثابت و پا برجا بماند، در مقابل باطل، نرمش نشان ندهد و چون کوه در برابر تمام این مصائب استوار بماند.

آری! به امام حسین علیه السلام پیشنهاد کردند که با یزید از در مسامحه و سازش در آید و به نحوی که در عرف اهل دنیا خلاف شأن و شرف او شمرده نشود با او کنار بیاید و در عوض، خود، خاندان، فامیل و خویشانش از دنیا متمتع و بهره مند شوند؛ اما امام حسین علیه السلام کسی نبود که برای زندگی دنیا و خوشگذرانی، مصالح اسلامی را نادیده انگاشته و با گرفتن حق السکوت، برقراری آن دستگاه فاسد و سراسر ظلم و کفر را امضا نماید و در ادای تکلیف و وظیفه مهمی که از سوی خدا عهده دار شده مسامحه و کوتاهی نماید.

امام حسین علیه السلام پسر کسی است که فرمود: «اگر آفتاب را در دست راست، و ماه را در دست چپم بگذارند که دست از دعوت بردارم، برنخواهم داشت»^(۱).

او پسر کسی است که می گفت: «دنیای شما نزد من از آب بینی یک بز زکامی خوارتر است»^(۲).

علائلی می نویسد: «حسین علیه السلام در این ناحیه، بزرگ و یگانه بود. زندگی دنیا را خوار می شمرد و از مرگ بیم و هراسی نداشت. جز به برهان پروردگارش، که همه چیز را فدای آن می کرد، به هیچ چیز توجه نداشت. از این جهت سزاوار است مانند شاعر هندی، معین الدین اجمیری، او را دومین

ص: ۳۶

۱- تاریخ طبری؛ ج ۲، ص ۳۲۵ و ۳۲۶.

۲- نهج البلاغه؛ خ ۳.

بنا کننده کاخ اسلام بعد از جدش، و مَجْدِدِ بنای توحید و یکتا پرستی بنامیم» (۱)

و نیز علائلی می نویسد: «حسین علیه السلام به کل وجود و تمام هستی اش از دنیا رو گردانده بود» (۲) پس امام حسین علیه السلام مانند پدرش، رئیس و سید زهاد بود. پدر می گفت:

وَ اللَّهُ لَا بِنِ ابِيطَالِبِ اَنْسُ بِالْمَوْتِ مِنَ الطِّفْلِ بِئَدَى اُمَّهِ (۳)

به خدا سوگند! انس فرزند ابی طالب نسبت به مرگ از انس طفل به سینه مادرش بیشتر است.

وَ مَا اَنَا اِلَّا كَغَارِبٍ وَّرَدَّ اَوْ كَطَالِبٍ وَجَدَ (۴)

پسر می گفت:

اِنِّي لَا اَرَى الْمَوْتَ اِلَّا سَعَادَةً، وَ لَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ اِلَّا بَرَمًا (۵)

ابن شهر آشوب در جمله ای در مورد زهد آن حضرت گوید که به او گفته شد: «بیم تو از پروردگارت به چه میزان بزرگ است؟» فرمود:

لَا يَأْمَنُ الْقِيَامَةَ اِلَّا مَنْ خَافَ اللَّهَ فِي الدُّنْيَا؛ درامان نیست کسی در روز قیامت، مگر آن کس که در دنیا از خدا بترسد. (۶)

ص: ۳۷

۱- . سمو المعنى؛ ص ۱۱۹ نقل به معنا.

۲- سمو المعنى؛ ص ۱۰۲.

۳- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید؛ ج ۱، ص ۲۱۴.

۴- نهج البلاغه؛ خطبه ۵.

۵- بحار الانوار؛ ج ۴۴، ص ۳۸۱.

۶- مناقب؛ ج ۴، ص ۶۹.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ فِي السَّمَاءِ مَلَكَئِينَ مُوَكَّلَيْنِ بِالْعِبَادِ فَمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَاهُ وَ مَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَاهُ.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ التَّوَاضَعَ أَنْ تَرْضَى بِالْمَجْلِسِ دُونَ الْمَجْلِسِ وَ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَى مَنْ تَلْقَى وَ أَنْ تَتْرَكَ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كُنْتَ مُحِقًّا وَ أَنْ لَا تُحِبَّ أَنْ تُحَمَدَ عَلَى التَّقْوَى.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِيمَا أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ: يَا دَاوُدُ كَمَا أَنَّ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ الْمُتَوَاضِعُونَ كَذَلِكَ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ الْمُتَكَبِّرُونَ. (۱)

از افتادگی تا عزت

هرچه معرفت، خدانشناسی، توحید، علم و حکمت انسان بیشتر شود، تواضع و فروتنی او زیادتر می گردد.

تکبر بشر، ناشی از جهل، نادانی، غفلت و خودپسندی است. در آیات کریمه و احادیث از تکبر به شدت مذمت، و از تواضع، مدح و ستایش شده است.

امام حسین علیه السلام در نزد مردم بسیار محترم بود. زمانی که او و برادرش، حسن مجتبی علیهما السلام پیاده به حج می شتافتند تمام رجال و شیوخ صحابه

ص: ۳۹

که همراه آنها بودند به احترامشان از مراکب پایین آمده و پیاده راه می پیمودند.

احترام امام حسین علیه السلام در میان مردم نه برای آن بود که او کاخ مجلل داشت یا مرکب های سواری او گران قیمت بودند یا غلامان و سربازانی پیشاپیش یا دنبال مرکب او می رفتند یا آن که مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله را برای او خلوت می نمودند و راه ها را در موقع آمد و شد وی بر مردم می بستند، نه! برای هیچ یک از اینها نبود. امام حسین علیه السلام با مردم زندگی می کرد و جدایی از آنها را نمی پذیرفت. زندگی او ملامت از سادگی بود. همه ساله پیاده به حج می رفت و با مردم نشست و برخاست، و آمد و شد می نمود؛ با فقرا معاشرت می کرد، در نماز جماعت، حاضر می شد، به عیادت بیماران می شتافت، در تشییع جنازه ها شرکت می جست و در مسجد جدش پیغمبر با دوستان و اصحاب می نشست. او دعوت فقرا را می پذیرفت و آنها را میهمان می نمود، خودش برای محتاجان، بینوایان، بیوه زنان و یتیمان، نان و غذا می برد.

آثار نواضع بر دوش حضرت

وقتی سپاهیان ستم پیشه و سنگدل کوفه بدن مطهر ایشان را عریان بر خاک افکندند، بر شانه مبارکش نشان از برداشتن بار دیدند، از علت آن جويا شدند، حضرت سجاد فرمود: «اثر انبان هایی است که در مدینه به دوش مبارک بر می گرفت و به خانه های فقرا، یتام و بیوه زنان می برد.»^(۱)

ص: ۴۰

احادیث

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَصَّ الْأَنْبِيَاءَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ فَلَیَحْمِدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ لِيَسْأَلْهُ إِيَّاهَا. قَالَ: قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ وَ مَا هُنَّ؟ قَالَ: هُنَّ الْوَرَعُ وَ الْقَنَاعَةُ وَ الصَّبْرُ وَ الشُّكْرُ وَ الْحِلْمُ وَ الْحَيَاءُ وَ السَّخَاءُ وَ الشَّجَاعَةُ وَ الْغَيْرَةُ وَ الْبِرُّ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: أُعْطِينَا أَهْلَ الْبَيْتِ سَبْعَةَ لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ قَبْلَنَا وَ لَا يُعْطَاهَا أَحَدٌ بَعْدَنَا الصَّبَاحَةَ وَ الْفَصَاحَةَ وَ السَّمَاخَةَ وَ الشَّجَاعَةَ وَ الْحِلْمَ وَ الْعِلْمَ وَ الْمَحَبَّةَ مِنَ النِّسَاءِ

شجاعت راستین

شجاعت، یکی از فضایل برجسته امام حسین علیه السلام می باشد. شجاعت این قهرمان تاریخ، حالتی است نفسانی و روحی که حد وسط بین تهور و جبن است، هر کس واجد آن باشد دارای ضبط نفس خاصی است و عوامل ترس، جبن، کنسیدی، سستی و فتور، و اسباب تنسیدی، بی باکی، گستاخی و جسارت بر چنین شخصی مسلط نمی شود. این صفت اگر زور بازو، قدرت جسمی و هر قوه و قدرت دیگر را رهبری کند، آن قدرت، مظهر شجاعت خواهد شد در غیر این صورت سبب سرزنش و ملامت می گردد.

این صفت از شریف ترین صفات فاضله است. ظهور استعدادهای کمال آفرین

بشر و فعلیت قوای کامله در او به این صفت وابسته می باشد.

معیار بقای امت ها

هر ملتی که افراد آن از شجاعت روحی و اخلاقی بهره مند نباشند رهسپار دیار نیستی خواهد شد و به زودی تحت تسلط بیگانگان قرار خواهد گرفت.

وجود و بقای امت ها و عزت و سربلندی آنها وابسته به میزان بهره مندی آنها از شجاعت است.

محافظه کاری، احتیاطات بی جا، عوام فریبی، ترس از انتقاد، جلوگیری از آزادی دیگران، اختناق افکار، تندروری ها، جسارت های جنون آمیز، باختن روحیه و ناشکیبی، ستمگری و وطن فروشی، خیانت به ملت و پیشه کردن سیاست محافظه کارانه در امور و راضی شدن به بی شرفی و بی آبرویی، همه کاشف از نداشتن صفت شجاعت است.

چنانچه ضبط نفس، خویشتن داری، صراحت لهجه، مقاومت در برابر ناملایمات و سختی های روزگار، بیم نداشتن از انتقاد و احترام به آزادی دیگران، ناشی از ملکه شجاعت می باشد.

تمام مظاهر این شجاعت در امام حسین علیه السلام تجلی یافته بود. روح و جسم او مرکز نمایش عالی ترین مرتبه شجاعت بود تا جایی که «شجاعه الحسینیه» ضرب المثل گشت.

در رزمگاه امام حسین علیه السلام

وقتی امام حسین علیه السلام به قصد کوفه حرکت کرد، ابن زیاد از شنیدن این

خبر، ناراحت و نگران گردید. او بیست هزار نفر را برای نبرد با حضرت فرستاد و به آنها امر کرد تا برای یزید از آن حضرت بیعت بگیرند و اگر بیعت نکرد او را بکشند. وقتی به او پیشنهاد بیعت شد، پذیرفت و به جد و پدرش تاسی نمود و به تحمل ظلم و زور و ننگ و عار، راضی نگشت؛ شجاعت هاشمیه را آشکار کرد و با اینکه خود، اهل بیت، عزیزان، کسان و اصحابش را محاصره کرده و هدف نیزه و تیر قرار دادند، در جهاد، ثابت قدم ماند و با شهامت عالی بدون اضطراب و با قوت قلب در چنین موقعیت خطیری پایداری نمود و ندا سر داد:

يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ! مَا رَأَيْتُ أَعْمَدَ مِنْكُمْ قُبْحًا لَكُمْ، وَ تَعَسًا لَكُمْ الْوَيْلُ ثُمَّ الْوَيْلُ. اسْتَصَيَّرْخُتْمُونَا فَاتَيْنَاكُمْ، وَ اسِيرَعْتُمْ الَى بَيْعَتِنَا سُرْعَةً
الذَّبَابِ وَ لَمَّا اتَيْنَاكُمْ تَهَافَّتُمْ تَهَافَّتَ الْفَرَّاشِ، وَ سَلَلْتُمْ عَلَيْنَا سُيُوفَ اَعْدَائِنَا مِنْ غَيْرِ عَدْلِ اَفْشَوْهُ فِيكُمْ، وَ لاذَّذَنْبٌ مِّنَّا كَانَ الْيَكْمُ الْا
لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ثُمَّ حَمَلَ عَلَيْهِمْ، وَ سَيْفُهُ مُصَلَّتْ فِي يَدِهِ وَ هُوَ يُنْشِدُ:

أَنَا ابْنُ عَلِيٍّ الْحَبِيبِ مِنْ آلِ هَاشِمٍ كَفَانِي بِهَذَا مَفْخَرًا حِينَ أَفْخُرُ

ای مردم کوفه! عهد شکن تر از شما ندیده ام؛ زشتی، هلاکت، نابودی و شقاوت بر شما باد که به ما استغاثه کردید، و ما را به یاری خود خواندید، ما دعوت شما را پذیرفتیم و شما به سوی بیعت ما مانند مگس، شتاب گرفتید! اکنون که به سوی شما آمدیم مانند پروانه سبک فرو ریختید، و به سوی شر و بدی رو کردید و شمشیرهای دشمنان ما را به روی ما کشیدید بی آن که آنها عدل و دادی در میان شما فاش کنند، و از ما گناهی نسبت به شما صادر شده

باشد. آگاه باشید که لعنت خدا بر ستم کاران است! پس بر آن مردم غدار با شمشیر از نیام کشیده حمله می کرد و می فرمود:

من فرزند علی آن مرد عالم صالح هستم از آل هاشم و در مقام مفاخره، این افتخار برای من بس است.

«او همواره جهاد می کرد تا بسیاری از شجاعان سپاه کوفه را به خاک هلاکت انداخت و در دریای جنگ فرو می رفت و از مرگ، اندیشه نمی کرد.»^(۱)

ابن ابی الحدید می نویسد: «کیست در شجاعت مانند امام حسین بن علی علیه السلام که در میدان کربلا گفتند: ما شجاع تر از او کسی را ندیدیم در حالی که انبوه مردم بر او حمله ور شده، و از برادران، اهل و یاران جدا شده باشد، مانند شیر رزمنده، سواران را درهم می شکست و چه گمان می بری به مردی که راضی به پستی نشد، و دست در دست آنها نگذارد تا کشته شد.»^(۲)

ص: ۴۴

۱- ۲۴. الاتحاف؛ ص ۱۷ و ۲۰.

۲- ۲۵. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید؛ ج ۳، ص ۴۸۲.

احادیث

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَضْلُ الْعَزْمِ الْحَزْمُ وَ ثَمَرَتُهُ الظَّفَرُ.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِنَ الْحَزْمِ قُوَّةُ الْعَزْمِ.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَعَزِّمْ عَلَيَّ مَا لَمْ تَسْتَبِينَ الرَّشَدَ فِيهِ.

عظمت در تصمیم

عظمت در تصمیم به معنای عزم راسخ داشتن به انجام و پایان کار، به طوری که هیچ گاه و به هیچ گونه از عزم خود باز نگردد، و در تصمیم خود سستی نرزد؛ از آغاز کار، ملاحظه پایان و عاقبت آن را بنماید و هشیارانه تصمیم بگیرد.

اکنون بخوانید که امام حسین علیه السلام چگونه با پیش بینی پایان کار، وارد میدان شد و سخنان او چگونه از شعور خطیرش بر می خاست. آن گاه که عزم خروج از مکه و سفر به عراق را داشت این خطبه را خواند:

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ عَلَيَّ رَسُولِهِ حُطَّ الْمَوْتُ عَلَيَّ وَ لِدِ آدَمَ مَخَطَّ الْقَلَادَةِ عَلَيَّ جِيدِ الْفَتَاهِ، وَ مَا أَوْلَهُنِي
إِلَى اسْتِيفَانِي اسْتِيفَاقَ يَعْقُوبَ إِلَى يُوسُفَ، وَ خَيْرَ لِي مَضِيرَعٌ أَنَا لِأَقِيهِ كَأَنِّي بِأَوْصَالِي تَقَطَّعَهَا عَسِ لَانَ الْفُلُوتِ بَيْنَ النَّوَاوِيسِ، وَ كَرَبَلَا
فَيْمَلَمَانَّ مِنِّي أَكْرَاشًا جَوْفًا، وَ أَجْرِبَهُ سَيِّغْبَا لَا مَحِيصَ عَنْ يَوْمٍ حُطَّ بِالْقَلَمِ رَضَى اللَّهُ رِضَانَا أَهْلَ الْبَيْتِ نَضْبِرُ عَلَيَّ بِلَانِهِ، وَ يُوفِّئِنَا أَجُورَ
الصَّابِرِينَ لَنْ تَشُدَّ

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ لِحَمَّتْهُ بَلْ هِيَ مَجْمُوعَةٌ لَهُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ تَقَرُّ بِهِمْ عَيْنُهُ وَ يَنْجِزُ بِهِمْ وَعْدَهُ الْإِذَا كَانَ بَادِلًا فِينَا مُهَجَّتَهُ، وَ مَوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَزْحَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. (۱)

سپاس برای خداست و آنچه خواست اوست می شود و نیرویی جز به خدا نیست و درود خدا بر پیغمبرش.

مرگ، بر فرزندان آدم نوشته شده و آنها را احاطه کرده، مانند گردن بند بر گردن دختر جوان. من بسیار مشتاق به دیدار گذشتگان خویشم همان گونه که یعقوب مشتاق دیدار یوسف بود. برای من قتلگاهی است که من آن را خواهم دید. گویا می بینم که در میان نوایس و کربلا، گرگان بیابان، رگ های مرا پاره می کنند تا شکم های گرسنه خود را سیر نماید. از چنان روزی که با قلم قضا نوشته شده گریزی نیست، رضای خدا رضای ما خاندان است. بر بلای او صبر می کنیم تا به ما مزد صابران عطا فرماید. هرگز پاره تن پیغمبر از او جدا نشود، بلکه با او در حظیره قدس در یک جا باشد، چشمش به پاره های تنش روشن شود و به واسطه ایشان به وعده خود وفا کند.

آگاه باشید! هر کس از ریختن خون خویش در راه ما دریغ ندارد، و دل به شهادت و لقای خدا می نهد با ما کوچ کند که من بامداد کوچ خواهم کرد. ان شاء الله تعالی.

این بود منطق امام حسین، و سخنان شور انگیز و قاطع او در برابر کسانی که وی را از تصمیمی که داشت باز می داشتند.

بسا اشخاصی که هدف و مبدأ بزرگی را در نظر می گیرند و برنامه هایی

ص: ۴۶

عالی اعلام می کنند، اما در میانه راه، آن گاه که در برابر خطر قرار گرفتند برنامه را فراموش می کنند یا هنگامی که مال، اعتبار و مقامی به آنها پیشنهاد کردند مال و مقام یا شهوت رانی، آنها را ذلیل و بیچاره ساخته و از هدف خود چشم پوشی می نمایند؛ این افراد از هدف خود دست می کشند. اینان علاوه بر آن که در میدان فضیلت، سهمی نصیبشان نمی شود دامنشان به عیب و ننگ، آلوده می گردد و اگر از آغاز سخنی نمی گفتند و برنامه ای اعلام نمی کردند شرافت و ایمانشان کمتر زیان می دید.

عزم حسینی

امام حسین علیه السلام در اینجا نیز مانند جدّ و پدرش از تمام کسانی که برای حق و به نام عدل قیام کردند برنده میدان بود، و وقتی با همه نوع خطری مواجه شد و هرگونه اسبابی که دیگران را ناچار به تسلیم می ساخت فراهم گشت، فرمود:

نه، به خدا سوگند! به خواری دست در دست شما نمی گذارم و چون بندگان از جهاد فرار نمی کنم. ای بندگان خدا! من پناه می برم به پروردگار خودم و پروردگار شما از اینکه مرا سنگباران کنید، و پناه می برم به خدا از هر متکبری که ایمان به روز قیامت ندارد.

و نیز فرمود:

ثُمَّ اِنَّمَا لِلّٰهِ لَا تَلْبِثُوْنَ بِعَيْدِهَا اِلَّا كَرِيْثٍ مَا يُرْكَبُ الْفَرَسُ حَتّٰى تَدُوْرَ بِكُمْ دَوْرَ الرَّحٰى، وَ تَقْلُقَ بِكُمْ قَلَقَ الْمَحْوَرِ عَهْدٌ عَهْدُهُ اِلٰى اَبِيْ
عَنْ جَدِّىْ فَاَجْمِعُوْا اَمْرَكُمْ، وَ شُرَكَائِكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ اَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اَقْضُوا اِلٰى وَلَا تُنظِرُوْنَ اِنِّىْ تَوَكَّلْتُ عَلٰى اللّٰهِ رَبِّىْ وَ

ص: ۴۷

رَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱)

به خدا سوگند! بعد از من درنگ نکنید مگر به مقداری که کسی بر اسب نشیند، تا روزگار بر شما چون آسیاب گردد و چون محور، مضطرب شوید؛ عهده‌ی است که پدرم از جدم مرا به آن خبر داده است. پس شما کار خود را فراهم کنید و همکارانتان را گرد آورید و بر من بتازید و مرا مهلت ندهید، من بر خدایی که پروردگار من و شماست توکل کرده‌ام، هیچ جنبنده‌ای نیست مگر آن که ناصیه او به دست خداست، به درستی که پروردگار من بر صراط مستقیم است.

عظمت در مردانگی

در این عظمت نیز امام حسین علیه السلام مقامی عجیب و سخت شگفت‌انگیز داشت و مردانگی در وجود او به حد اکمل نمایش یافت. شاید برجسته‌ترین موارد ظهور مردانگی آن حضرت، زمانی بود که سپاه کفرپیشه، او و اصحابش را تیر باران نمودند. امام حسین علیه السلام برخاست نگاهی به آن تیرها و نگاهی به اصحاب کرد؛ سپس فرمود:

بر خیزید! خدا شما را رحمت کند، و از مرگی که چاره‌ای از آن نیست پیشواز نماید، اینک این تیرها فرستاده‌های این مردم به سوی شمایند.

اصحاب برخاستند و ساعتی را با آنها نبرد کردند تا جمعی از آنان به شهادت رسیدند. در این هنگام امام حسین، دست بر محاسن شریف زد و فرمود:

ص: ۴۸

خشم خدا بر یهود شدت یافت وقتی برای او فرزندی قرار دادند، و غضب خدا بر نصارا سخت شد وقتی او را ثالث ثلاثه خواندند. و غضب خدا بر مجوس سخت شد وقتی آفتاب و ماه را به جای خدا پرستیدند، و خشم خدا شدت یافت بر قومی که هم کلام و متفق برای کشتن پسر دختر پیغمبر خودشان شدند، به خدا آنها را به آنچه می خواهند جواب نمی دهیم تا اینکه خدا را ملاقات کنم در حالی که به خون خود خضاب شده باشم.

جمله ای که از مردانگی امام حسین هراس انگیز است این است که فرمود:

لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي اعْطَاءَ الدَّلِيلِ، وَلَا إِفْرًا فِرَارَ الْعَبِيدِ يَا عِبَادَ اللَّهِ أَنِّي عُدْتُ بِرَبِّي وَرَبُّكُمْ أَنْ تُزْجَمُونَ أَعُوذُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مَتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ. (۱)

قَوْمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ إِلَى الْمَوْتِ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْهَا فَإِنَّ هَذِهِ السَّهَامُ رُسُلُ الْقَوْمِ الْيَكْمُ

اِسْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى الْيَهُودِ اذْ جَعَلُوا لَهُ وَلَدًا، وَ اِسْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى النَّصَارَى اذْ جَعَلُوهُ ثَالِثَ ثَلَاثَةٍ، وَ اِسْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى الْمَجُوسِ اذْ عَبَدُوا الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دُونَهُ، وَ اِسْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى قَوْمِ اتَّقَفَتْ كَلِمَتُهُمْ عَلَى قَتْلِ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّهِمْ اَمَّا وَاللَّهِ لَا اُجِيبُهُمْ اِلَى شَيْءٍ مِمَّا يُرِيدُونَ حَتَّى الْقَى اللَّهُ وَاَنَا مُخَضَّبٌ بِدَمِي (۲)

قَوْمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ إِلَى الْمَوْتِ

أَمَا وَاللَّهِ لَا اُجِيبُهُمْ...

و دیگر اینکه فرمود:

ص: ۴۹

۱- سمو المعنى؛ ص ۱۱۷.

۲- سمو المعنى؛ ص ۱۱۸.

این دو جمله با کمال وضوح، مردانگی امام حسین علیه السلام را آشکار می سازد که در چنان موقف مهیب و وحشتناکی هیچ گونه بیم و هراس، شکست و خودباختگی بر وجود او مستولی نگشت؛ اصحاب را به استقبال از مرگ دعوت فرمود مانند آن که آنها را برخوان لذیذترین غذاها بخواند.

و به حق هم آن مرگی که امام حسین به آن دعوت می کرد، لذت بخش بود؛ زیرا او می خواست با باطل نبرد کند و برهان خداوند که مبدأ او بود، در پیش چشمانش ترسیم شود و صدای خدا را که صدای ضمیر و وجدان پاک و ایمان سرشارش بود می شنید و جز این کلمات چیزی دیگر نمی دید: خدا، پیغمبر خدا، قرآن (کتاب خدا).

احادیث

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّبْرُ صَبْرَانِ؛ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ حَسَنٌ جَمِيلٌ وَ أَحْسَنُ مِنْ ذَلِكَ الصَّبْرُ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْكَ. (۱)

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ لَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ، وَلَا فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ. (۲)

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اطْرَحْ عَنْكَ وَارِدَاتِ الْهُمُومِ بِعَزَائِمِ الصَّبْرِ، وَ حُسْنِ الْيَقِينِ. (۳)

مرد صبر

امام حسین علیه السلام در مقام صبر، امتحانی داد که دوست و دشمن از عظمت آن در شگفتی ماندند و حتی فرشتگان آسمان نیز از آن صبر و شکیبایی در تعجب فرو رفتند.

بر حسب فقره ی زیارت ناحیه مقدسه:

وَ قَدْ عَجِبْتُ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ. (۴)

ص: ۵۱

۱- کافی؛ ج ۲.

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید؛ ج ۱، ص ۱۰۷.

۳- همان؛ ص ۱۰۵.

۴- بحار الانوار؛ ج ۹۸، ص ۲۴۰.

ظهور این فضیلت از آن حضرت به نوعی شد که سخن از صبر و خویشتن داری آن امام شهید، توضیح و اصحات است. با این حال، از جهت فایده اخلاقی، چند قسم از اقسام عالی صبر را بیان می کنیم و سپس موقف عظیم و بی نظیر آن حضرت را در هریک نشان می دهیم:

صبر در جهاد

صبر در جهاد این است که مجاهد راه خدا به واسطه ی ایجاد جراحات و زخم اسلحه، پشت به میدان نکند و از زخم های کاری، پریشان خاطر نشود و روحیه اش از یورش و حمله دسته جمعی قوای مسلح دشمن ضعیف نگردد.

یکی از علل فتوحات مسلمانان در صدر اسلام این بود که مسلمین برای کسب ثواب و فوز به قرب خدا در میدان های نبرد، آسوده خاطر و با اطمینان، صابرا نه جهاد می کردند. قرآن این مردم را مدح نموده، و از صبر آنان تمجید کرده است:

«وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ، وَ حِينَ الْبَأْسِ» (۱)

و در آیه ای دیگر می فرماید:

«كَمْ مِنْ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِيهَا كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (۲)

این افتخار، در میدان های جهاد اسلامی در درجه نخست، نصیب علی علیه السلام و خاندان پاکش بود. آنان در هیچ یک از جنگ ها، از جهاد، روی نگرداندند. علی علیه السلام در جنگ بدر، حنین، احزاب و غزوات دیگر شرکت داشت. او در

ص: ۵۲

۱- بقره؛ ۱۷۷.

۲- همان؛ ۲۴۹.

نهایت صبر و تحمل، ثابت قدم بود به طوری که در جنگ احد، نود جراحت بر بدنش وارد شد اما هم چنان می جنگید و از پیغمبر و اسلام مردانه و صادقانه دفاع می نمود. برادر آن حضرت، جعفر بن ابی طالب در جنگ موته بیش از هفتاد زخم شمشیر و نیزه بر بدنش وارد شد. آن مجاهد راه خدا، پرچم اسلام را نگاه داشت تا دست هایش را قطع کردند و همچنان ثبات ورزید تا او را بر حسب بعضی تواریخ، به دو نیمه ساختند.

امام حسین علیه السلام به روایت ابن اثیر و مسعودی و نقل عقاد، سی و سه طعن نیزه و سی و چهار زخم شمشیر و خنجر برداشت که این شصت و هفت زخم به غیر از زخم تیرها بود.

عقاد نقل می کند: «مجموع جراحاتی که اثر آن در لباس امام حسین علیه السلام هویدا بود، صد و بیست جراحت بود؛ حتی از بعضی روایات استفاده می شود که مجموع جراحات وارده از شمشیر، تیر، نیزه و سنگ بر آن بدن عزیز خدا بیش از سیصد و ده جراحت بوده است و تمام این زخم ها از پیش رو و سینه مطهر بر آن حضرت رسیده بود.»^(۱)

امام حسین علیه السلام با این کثرت جراحات، باز هم جنگ می کرد و رجز می خواند و تا ممکن بود سواره و سپس پیاده به سپاه دشمن مردانه حمله می کرد؛ حتی آن وقتی که بر زمین می افتاد با کمک شمشیر برمی خاست و آن مردمی که ننگ عالم انسانیت شدند را از خود دور می گرداند و دفاع می کرد و صبر می نمود.

ص: ۵۳

۱- قمقام زخار؛ ص ۴۶۸ ابوالشهداء؛ ص ۱۸۸ - مروج الذهب؛ ج ۳، ص ۱۱.

این نوع صبر، از صبر بر جراحات و آلام بدنی به مراتب دشوارتر و طاقت فرساتر است. اما امام حسین علیه السلام، که صبر و شکیبایی اش از کوه های عالم بیشتر بود، در داغ مرگ جوانان و برادران، و مصیبت بهترین اصحاب و یاران که همه را با لب تشنه در پیش رویش به فجیع ترین وضعیتی به شهادت می رساندند و بدنشان را پاره پاره می کردند، صبری کرد که از آغاز عالم تا به حال، چنان صبری از کسی آشکار نشده است.

آغوش آن امام، قتلگاه طفل شش ماهه اش گردید.

برادرزاده سید شهیدان کربلا در آغوش آن امام مظلوم به شهادت رسید.

کودک خردسال دیگرش را که لرزان از خیمه بیرون آمده بود با ضربت عمود، تشنه کام کشتند.

او در تمام این مصیبات جانکاه، صبر کرد؛ حتی کودکی را که شمشیر دشمن دستش را قطع کرده بود مانند مردان دنیا دیده امر به صبر می کرد و می فرمود:

يَا أَيُّهَا الْاِحْيٰى! اصْبِرْ عَلٰى مَا نَزَلَ بِكَ، وَ اِحْتَسِبْ فِى ذٰلِكَ الْاِحْتِسَابَ. (۱)

ای برادرزاده من! صبر کن بر آنچه که بر تو (از بلاها و مصیبت ها) وارد شده و اینها را خیر حساب کن!

امام حسین علیه السلام اهل بیتش را در معرض اسیری می دید و با اینکه این مصیبت برای او که مجسمه غیرت و مردانگی بود - بسیار سخت و جانگداز می نمود، صبر فرمود و آنها را به صبر، وقار، خاموشی و خویشن داری سفارش

ص: ۵۴

می کرد و به رحمت خدا مزده داده و می فرمود:

وَ رَحْمَةُ اللَّهِ لَا تُفَارِقُكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

صبر در هنگامه غضب

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در روایتی می فرمایند: «نیرومند کسی است که به هنگام خشم، مالک خویش گردد.»^(۱)

امام حسین علیه السلام هرگز تحت تأثیر خشم و غضب، کاری را انجام نداد؛ او به هنگام غضب، بر خود مسلط بود و اگر تمام عوامل خشم فراهم می شد، آن حضرت از طریق اعتدال و میانه روی و راه صواب به قدر چشم برهم زدنی بیرون نمی شد.

علائلی می نویسد: غلامی از غلامان حضرت، آب بر دست مبارکش می ریخت؛ ظرف آب از دست غلام در طشت افتاد، آب طشت بر روی مقدس ایشان پاشید. غلام عرض کرد: ای آقای من!

«وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ». فرمود: «خشمم را فرو خوردم.» غلام گفت:

«وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ». فرمود: «تو را عفو نمودم.» عرض کرد:

«وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ».

فرمود:

إِذْهَبْ فَإِنَّتَ حُرٌّ لَوْجِهَ اللَّهِ الْكَرِيمِ^(۲)

برو که تو در راه خدا آزادی!

ص: ۵۵

۱- بحار الانوار؛ ج ۷۴، ص ۱۵۱.

۲- سمو المعنی؛ ص ۱۶۱.

یکی از نمایش های حُسن خلق و کَرَم آن حضرت که نشان می دهد آن امام شهید در برابر عوامل غضب، خشم و کینه، کمال قدرت و ایستادگی را داشت، سیراب کردن لشکر حرّ است.

وقتی لشکر حرّ در گرمگاه روز رسیدند و حضرت، تشنگی را مشاهده کرد فرمان داد تا به آنها و اسب هایشان آب بیاشامند. برحسب امر امام، تمام سپاه دشمن را از مرد و مرکب، سیراب کردند و بر پاها و شکم چهارپایانشان آب پاشیدند.

علی بن طعان محاربی گفت: من پس از همه رسیدم؛ آن بحر کَرَم و نور دیده ی ساقی کوثر مرا به آن حال دید؛ به زبان مبارک و در نهایت لطف و مرحمت به لغت حجاز فرمود:

يَا بْنَ أَخِي أَخِي الرَّأْيِيَّةِ

برادرزاده! شتر را بخوابان.

من معنای کلام امام را ندانستم، امام دانست که نفهمیدم پس فرمود:

أَخِي الْجَمَلِ

شتر را بخوابان.

من شتر را خوابانیدم. سپس فرمود:

أَخِثِ السَّقَا

دهانه مشک را بر گردان و آب بنوش!

من نتوانستم. امام پیش آمد و دهانه مشک را به دست مبارک پیچید تا آب

از نمونه های دیگر صبر آن حضرت، امتناع او از شروع جنگ بود. با اینکه می دانست آن لشکر کفر پیشه به هیچ وجه بر او و عزیزانش رحم نمی کنند و با اینکه از آنها رفتارها و حرکاتی سر می زد که صبر بر آن اعمال نکوهیده، دشوار بود، آن حضرت، حجت را بر آنها تمام ساخت و نه خود و نه اصحابش دست به اسلحه نبردند.

چون نامه ابن زیاد به حرّ رسید و در آن دستور داده بود که حرّ بر امام حسین علیه السلام کار را تنگ بگیرد و ایشان را در بیابانی بی آب و سیزه فرود آورد، زهیر بن القین به امام عرض کرد: «به خدا قسم! آن سپاهی که پس از اینها بیایند بسی بیشتر باشند، اجازه بده تا هم اکنون با این گروه نبرد کنیم.» آن حضرت فرمود: «من ابتدا جنگ را شروع نمی کنم.»

همچنین وقتی آب را بر روی امام و اصحابش بسته بودند و همه لشکریان آن حضرت از زن و مرد، کوچک و بزرگ، جوان و پیر، بیمار و سالم، حتی اسب ها و مراکب، تشنه بودند و صیحه ی تشنه کامان همواره به گوش امام می رسید، ایشان از شروع جنگ، خودداری فرمود.

حتی زمانی که جرثومه شرارت و خباثت، شمر ملعون روز عاشورا به خيام طاهره نزدیک شد و در پیرامون خیمه های جلالت و عظمت می گردید تا نقطه ای را که از آنجا می توان به خيام و لشکرگاه امام، حمله کرد معین سازد، خندق را دید که آتش در آن افروخته اند؛ بانگ برداشت و به امام جسارت

ص: ۵۷

کرد. مسلم بن عوسجه که در تیراندازی مهارت داشت اجازه خواست شمر را با تیر بزند و زمین را از لوٹ وجود خبیث آن دشمن خدا پاک سازد. حضرت اجازه نفرمود؛ زیرا از شروع کردن جنگ کراهت داشت؛^(۱) مثل اینکه می خواست جنگش با آنها صورت دفاع داشته باشد.

ص: ۵۸

۱- ابوالشهداء؛ ص ۱۷۲ - قمقام زخار؛ ص ۳۹۰.

فقه عزاداری

اشاره

ص: ۵۹

س. مقاتل معتبر اعم از فارسی و عربی از نظر حضرتعالی کدام اند؟

ج. مقاتل معتبر، متعدد است، مثل نفس المهموم و ابصار العین و مقتل مقرر و قمقام زخار و مقتل بحار الانوار.

مجلس عزاداری به صورت تئاتر

س. اخیراً مطرح می شود که مجالس عزاداری خصوصاً عزای سیدالشهدا علیه السلام از صورت سنتی و روضه خوانی و استماع آن خارج بشود و به صورت نمایشی و تئاتری تبدیل گردد، بلکه به این مطلب اصرار می ورزند. نظر مبارکتان را بیان فرمایید.

ج. اقامه ی عزای آن بزرگوار باید با ذکر مصائب از کتب صحیحه معتبره توسط ذاکرین و علمای محترم با حفظ شئون اهل بیت علیهم السلام باشد و به صورت تئاتر درآوردن معمولاً خالی از لوازم فاسده و غیر شرعی نیست.

خواندن روضه بی سند

س. خواندن روضه بی اساس یا مشکوک توسط مدّاح و یا سخنران، چه حکمی دارد؟

ص: ۶۱

ج. خواندن روضه بی اساس، جائز نیست، و خواندن چیزی که احتمال صحت آن را می دهد اگر به صورت احتمال باشد، اشکال ندارد.

خصوصیات مداح

س. به نظر حضرت تعالی، یک مدّاح اهل بیت علیهم السلام چه خصوصیتی باید داشته باشد؟

ج. مدّاحی اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم اجمعین، چنانچه برای خدا باشد عبادت است و اجر عظیم دارد و به همین جهت مدّاح باید اهل تقوا و مقید باشد اشعاری که می خواند خلاف واقع و دروغ نباشد و این عبادات را تا می تواند به قصد قربت انجام دهد تا از ثوابات آن برخوردار شود هر چند گرفتن مزد در برابر آن اشکال ندارد.

مداحی با ریتم موسیقی و غنا

س. آیا مداحی که با ریتم موسیقی و به صورت غنا خوانده شود، حرام است؟

ج. بلی، حرام است.

صدای زنان نوحه خوان

س. در برخی موارد مرثیه خوانی و یا مداحی زنان در مجالس زنانه، صدای آنان به گوش مردان می رسد. آیا این عمل جایز است؟

ص: ۶۲

ج. اگر صدای آنان موجب لذت بردن مردان و تحریک شهوت گردد، جایز نیست.

تقلید صدای حیوانات در عزاداری

س. در برخی از جلسات مذهبی و عزاداری، برای اظهار نهایت تذلل در برابر اهل بیت علیهم السلام، عده ای صدای حیوانات، مانند سگ از خود در می آورند. حکم شرعی آن را بیان فرمایید؟

ج. چون در انظار، موهن است، سزاوار است اظهار ارادت و ولایت خود را در صورت های جالب و تحسین آمیز انجام دهند.

برهنه شدن هنگام سینه زنی

س. آیا سینه زنی به صورتی که از کمر به بالا برهنه شوند، در عزاداری سیدالشهدا علیه السلام جائز است؟

ج. اگر مستلزم نگاه نامحرم نباشد، اشکال ندارد.

پابرنه رفتن در عزاداری

س. بعض عزاداران به خود گل می مالند و با پای برهنه راه می روند. این نحوه عزاداری چه حکمی دارد؟

ج. این گونه امور که در محلی طبق مرسوم آن محل به وسیله آن، اظهار حزن و عزا نسبت به سالار شهیدان علیه السلام

بنمایند، چنانچه ضرر معتد به برای جسم و جان نداشته باشد، مانعی ندارد.

گریبان چاک زدن

س. حکم چاک زدن گریبان و بر سر و صورت زدن در مصیبت امام حسین علیه السلام چیست؟

ج. بر سر و صورت زدن و گریبان چاک زدن در مصیبت آن بزرگوار، مانعی ندارد.

هروله

س. «هروله» در جلسات عزاداری چه حکمی دارد؟

ج. گاه می شود که اشخاص مصیبت زده از شدت تأثر از جا بر می خیزند و می روند و می آیند و خود را می زنند و فریاد می کنند؛ اگر کسی در مصیبت حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه که اعظم مصائب است واقعاً چنین حالی پیدا کند، یا مثل تباکی چنین حالی را دارد نمی توان این حالات را اهانت دانست. در این موارد سلیقه ها مختلف است؛ بحسب ازمنه و امکانه فرق پیدا می کند و عرف عام را باید ملاک دانست. آنچه لازم است این است که همه بر حفظ و شکوه و عظمت و حقیقت و وقار قدس و ملکوتی این برنامه و نشان دادن کمال حزن و اندوه خود اهتمام نمایند.

ص: ۶۴

پوشیدن لباس مشکی در عزاداری

- س. آیا کراهتی که در پوشیدن مشکی وجود دارد، لباس عزای امام حسین علیه السلام را هم شامل می شود؟
- ج. پوشیدن لباس سیاه در عزای امام حسین علیه السلام مطلوب است.

تعزیه خوانی

- س. نظرتان راجع به تعزیه خوانی چیست؟
- ج. تعزیه و شبیه خوانی، اگر مشتمل بر آلات لهو، از قبیل طبل و شیپور و صنج نباشد و اشعار دروغ و غنا نخوانند و مرد، لباس زنان را نپوشد، اشکال ندارد.

آلات موسیقی در عزاداری

- س. استفاده از آلات موسیقی، مثل طبل، صنج، نی، ارگ و مانند آنها در خلال عزاداری چه حکمی دارد؟
- ج. جائز نیست.

نماز ظهر عاشورا

- س. در ظهر عاشورا، عزاداران برای شور و اظهار حزن، آماده می شوند و از طرفی وقت نماز ظهر می شود؛ وظیفه مؤمنین چیست؟

ج. در این موارد، باید جمع بین اغراض و کسب فضائل

ص: ۶۵

نمود؛ هم برنامه ای را که به صورت عزاداری برای حضرت سید الشهداء علیه السلام انجام می شود، انجام دهید و هم نماز ظهر را در اول وقت بجا آورید.

دسته های عزا و سد معبر

س. راه اندازی دسته های عزاداری در کوچه و خیابان که باعث ترافیک می شود، چه حکمی دارد؟

ج. در حد متعارف ایام عزاداری، اشکال ندارد.

استفاده از عَلم

س. استفاده از عَلم چه حکمی دارد؟

ج. در مراسم عزاداری سالار شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام، استفاده از عَلم که تعظیم شعائر محسوب می شود به شرط اینکه مشتمل بر مجسمه ذیروح که حرام است نباشد، اشکال ندارد؛ بلکه مطلوب است.

نخل گردانی

س. در ایام عاشورا ضریح مانندی به نام نخل را به اسم و رسم عزاداری ملبَس به البسه و اقمشه فاخره می کنند، با عنایت به فتوای مرحوم حضرت آیت الله العظمی بروجردی که فرموده اند: «عزاداری در ایام عاشورا برحسب متعارف بلاد مختلف است و آنچه در هر بلدی مصداق عزاداری است مانعی ندارد.» نظر حضرتعالی در این باره چیست؟

ج. آنچه استاد عظیم الشان ما اعلی الله مقامه در پاسخ سؤال مذکور فرموده اند مورد تأیید اینجانب است.

شمع روشن کردن در شام غریبان

س. آیا شمع روشن کردن در شام غریبان سیدالشهداء علیه السلام از مصادیق بدعت نمی باشد؟

ج. اشکال ندارد.

تصاویر منسوب به ائمه علیهم السلام

س. حکم خرید، فروش، چاپ، تولید و یا استفاده از عکس ها و پوسترهایی که از چهره ی ائمه معصومین علیهم السلام تهیه شده است، چگونه است؟

ج. عکس ها و پوسترهایی مذکور، مستند صحیحی ندارند؛ خوب است از این عمل خودداری شود و مؤمنان بجای آن، احادیث اهل بیت علیهم السلام را با خطی زیبا بنویسند و آن را در منازل خود نصب نمایند.

مصرف هدایا و نذورات در غیر مورد

س. آیا وجوهی را که برای منظوری خاص در عزاداری هدیه شده است می توان در موارد دیگری غیر از آن، در عزاداری مصرف نمود، مثل پولی که برای غذا و اطعام داده شده ولی به مصرف خرید لوازم برسد؟

ج. صرف وجوهی که مصرفشان مورد خاص است، در غیر

ص: ۶۷

آن مورد، جائز نیست، و موجب ضمان است.

زنجیرهای تیغ دار

س. استفاده از زنجیرهایی که دارای تیغ هستند، چه حکمی دارد؟

ج. اگر استفاده از زنجیره‌های مزبور، باعث ضرر بدنی قابل توجهی گردد، جایز نیست.

خراشیدن صورت

س. برخی در جلسات سینه زنی و عزاداری معصومین علیهم السلام در حال عزاداری صورت خود را خراش انداخته و به صورتشان خون جاری می شود؛ عزاداری به این شکل چه حکمی دارد؟

ج. معلوم نیست که این کارها به عنوان ابراز شدت تألم بر مصائب اهل بیت علیهم السلام و عزاداری برای آن بزرگواران وهن باشد. بلی، اگر موجب ضرر قابل اعتنا شود جائز نیست.

ص: ۶۸

اشعار عاشورایی

اشاره

ص: ۶۹

هلال ماه محرم ز نو هویدا شد

ص: ۷۱

محرم است و جهان پر ز انقلاب شده است

ص: ۷۲

برای تشنه لبان پای در رکاب شده است

ص: ۷۳

خطاب به مردم کوفه

خاکتان بر سر که فرزند پیمبر کشته اید

ص: ۷۴

کودک شش ماهه ای مانند اصغر کشته اید

ص: ۷۵

روز عاشورا

باز صبح روز عاشورا رسید

ص: ۷۶

پرچم دین ز آن بود در اهتزاز

ص: ۷۷

کشته راه خدا

من حسین سرجدایم

ص: ۷۸

دژ بحر اصطفایم

ص: ۷۹

من صراط مستقیم

ص: ۸۰

مصیبت های عاشورایی (از مرحوم حضرت آیت الله آخوند ملا محمد جواد صافی گلپایگانی رحمه الله)

اشاره

ص: ۸۱

اشاره: مرحوم حضرت آیت الله آخوند ملامحمدجواد صافی، والد گرانقدر مرجع عالیقدر که دارای تألیفات متعددی هستند، در اثر ارزشمند خود بنام "نفایس العرفان" در پایان هر فصلی، با توسل به حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام آن فصل را به پایان رسانده است. مصیبت هایی که در این بخش می آید از همین اثر ارزشمند انتخاب شده است. اشعار این بخش نیز، سروده ی آن فقیه صمدانی می باشد.

مصیبت اول

آن وقتی که هر دو دست مبارک ابی الفضل العباس قطع شده بود و تیر کین بر دیده حق بینش نشسته و بدن اطهرش مانند خانه زنبور از کثرت زخم سنان و تیر، سوراخ سوراخ گشته و آبی که برای اطفال حمل می نمود بر زمین ریخته بود: آیساً من الحیاه و قریباً الی المماه بود که ملعونی با عمودی از آهن رسید.

چون دید، عباس، دستی ندارد و توانائی دفاع در وجود مبارکش نیست، از خدا و رسول شرم نکرده و بر مظلومی آن جناب ترحم ننمود و چنان عمود را به قوت هر چه تمام تر - بر فرق مبارکش زد که مغز سرش بر شانه مبارک ریخت.

چو دشت بلا از غمش تار شد

نادی: یا اخواه! ادرک اخاک العباس. چون امام حسین علیه السلام ناله برادر را شنید: آهی از جگر کشید و فریاد برآورد: الآن انکسر ظهري و انقطع رجائی و قلت حیلتي و اتی زینب، فنادت: و اعباساه!

مصیبت دوم

همه شنیده و می دانید که در روز عاشورا، چند تن را سنگباران کردند. یکی قاسم بن الحسن علیهما السلام است که بدن لطیف و نازکش را سنگباران کردند، و هدف تیر و تیغ و سنگ ساختند، و بر بی کسی و غریبی و کوچکی و تشنگی و یتیمی او ترحم نمودند.

آه آه. و اسفاه! در بحار است که حمید بن مسلم گوید: جوانی را دیدم چون یک پاره ماه که یک بند نعلین او گسیخته و لشکر از هر طرف چون گرگان با او در آویخته و به هر طرفی که حمله می کرد، لشکر چو گوسفند از نهیب شیر شجاعان، فراری می شدند. عمر ابن سعد ازدی گفت: بر من گناه این مردم که اگر فرصتی یابم او را نکشم. پس فرصتی به دست آورد و از عقب قاسم باحث، و چنان شمشیری بر فرق مبارکش نواخت که تا پیشانی شکافت.

لشکر، اطرافش را گرفتند و بدن از گل نازک ترش را معرض تیر و تیغ و سنگ ساختند. چون قاسم از اسب در غلطید فریاد کرد: یا عمّاه! ادرکنی.

امام حسین علیه السلام چون شیر غاضب به جانب او روان شد. وقتی رسید که آن ملعون می خواست سر قاسم را جدا کند. شمشیری حواله او نمود، دست آن ملعون قطع شد.

از لشکر استمداد نمود، قوم او اطراف امام حسین علیه السلام را گرفتند. در این

زد و خورد و جنگ، بدن قاسم در زیر سم اسبان با خاک و خون یکسان گشت. وقتی لشکر از حملات فرزند حیدر صفدر متفرق شدند، امام حسین به بالین قاسم آمد که هنوز کمی جان در تن او باقی بود و پاهای خود را بر زمین می سائید؛

فبکی الحسین علیه السلام و قال: والله يعزّ علي عمّك ان تدعوه فلا يجيبك او يجيبك فلا يعينك أو يعينك فلا يغني عنك.

مصیبت سوم

صدیقه صغری فرمود:

ليت السماء طُبِقَتْ على الأرض و ليت الجبال تدكدت على السهل

این، وقتی بود که امام حسین علیه السلام از اسب به روی خاک در افتاد و تن مبارکش در خاک و خون آغشته بود. عبدالله بن الحسن علیه السلام که نگران بود و عمّ اکرم خود در آن حال می دید، بی تابانه و مُیدهشانه به جانب آن جناب دوید. امام حسین علیه السلام فرمود: یا اختاه! أحبسیه؛ ای خواهر! عبدالله را نگاه دار که در این بیابان بلاانگیز نیاید و خود را هدف تیر و تیغ نسازد.

زینب او را گرفت و هر چند در منع او شدت کرد، به جایی نرسید.

فقال عبدالله: لا والله! لا- أفارق عمّی. قوت کرد و خود را از چنگ زینب رها ساخت و دوان دوان خود را به امام حسین علیه السلام رسانید.

در این وقت ابن کعب علیه اللعنه خواست تیغ خود را بر امام حسین علیه السلام فرود آورد.

فقال له:

ويلك يابن الخبيثه! أتقتل عمّی؛ عبدالله گفت: ای پسر زانیه! آیا می خواهی عمّ مرا بکشی.

ص: ۸۵

دست کوچک خود را وقایه و سپر عم بزرگوار نمود. شمشیر آن ملعون، دست مبارکش را قطع نمود، چنان که با پوست آویخته گشت. پس فریاد برداشت که یا اماه! امام حسین او را گرفت و بر سینه خود چسباند، و قال: یا ابن اخی! اصبر علی ما نزل بک و احتسب فی ذلک الخیر فان الله یلحقک بأبائک الصالحین.

در همین وقت، حرمه ملعون هم چنانی که عبدالله در کنار امام حسین علیه السلام بود - خدنگی به سوی او روانه کرد و آن تیر بر مقتل عبدالله آمده و درگذشت.

پس آن سان ظالمی تیری رها کرد

مصیبت چهارم

وقتی که امام حسین علیه السلام، پسر ناکام خود را دید که با بدن پاره پاره و فرق شکافته و لب های خشکیده در میان خاک و خون افتاده و مشغول جان دادن است، بی اختیار چنان صیحه بر کشید و فریادی برآورد که دوست و دشمن به حال او گریستند.

پس خود را از اسب در انداخت و وضع خدّه علی خدّه؛ از شدت بی تابی، روی مبارک بر عارض چون ماه علی گذاشت و شمس و قمر را به هم تلاقی داد. راوی می گوید: طولی نکشید که امام حسین روی خود را برداشت و خون فرق علی بر روی مبارکش جاری بود؛

یقین شد صافی آن سان حالت شاه که اشکش شد بماهی آه بر ماه

مصیبت پنجم

امام حسین علیه السلام تا آن دم آخر، صابر و راضی به قضای الهی بود و منسوب به آن جناب است که به درگاه الهی عرض می کرد:

ترکت الناس طراً فی هواکا و ایتمت العیال لکی اراکا؛

رها کردم مردم را در هوای تو و دوستی تو ای خدای من، و اطفال خود را یتیم و کسانم و عیالم را در به در کردم برای دیدن رضا و رسیدن به وصل تو.

و لو قطعنتی فی الحب ارباً لما حن الفؤاد الی هواکا؛

و اگر قطعه قطعه کنی مرا و ریز ریز سازی، هرگز دل من بسوی غیر تو نرود و درد دل خود را بجای دیگر نگویم. و شاید این کلمات را در وقتی فرموده باشد که از روی زین به ضرب نیزه صالح ابن وهب بر زمین افتاد.

جگر تفتیده با چشمان نمناک

مصیبت ششم

آن وقتی که بدن مبارک علی بن الحسین علیهما السلام از کثرت زخم و سیلان خون، سستی گرفته بود. ملعونی فرصتی بدست آورد. شمشیری بر فرق همایونش فرود آورد که به آن ضربت، زخمی گران یافت و سایر لشکر جری شدند؛ از چهار طرف او را هدف و نشانه ی تیر و شمشیر ساختند، چنان که یک باره توانائی از علی برفت. ناچار دست در گردن اسب در آورد و فرو

خفت، عنان اسب را رها کرد، اسب از این سوی و آن سوی می تاخت و به هر سواری که می رسید، زخمی بر بدن مبارکش می زدند. فقطعوه بسیوفهم ارباً ارباً؛ بدن مطهرش را با شمشیر، قطعه قطعه و پاره پاره کردند. پس از اسب افتاد؛ فنادی:

یا ابتاه! هذا جدی رسول الله قد سقانی بكأسه الأوفی.

چون امام حسین بانگ فرزند ناکام را شنید، صیحه از پرده ی جگر بر کشید و فرمود: قتل الله قوماً قتلوك؛

گفت: ای جان پدر روحی فداک باد بر دنیا پس از مرگ تو خاک

مصیبت هفتم

امام حسین علیه السلام با آن همه مصیبات و شدائد و نوائب و دواهی که اگر بر کوه ها وارد شدی طاقت نمی آوردند و اجزاء وجودشان از یکدیگر متلاشی و متفرق می شد -، صابر و راضی به قضاء الهی بود و مکرر در مکرر به خدای خود در حالی که لبش تشنه و شکمش گرسنه و زخمش بی شمار و دشمنان وجود مبارکش را احاطه کرده و زخم از پس زخم بر بدن مبارکش می زدند - عرض می کرد: صبراً علی بلائک و رضاً بقضائک؛ و نیز با زبان خشکیده و جگر سوخته، گاه گاهی طلب آب می نمود و می فرمود: واعطشاه! واقله ناصره! یا قوم! اسقونی شربه من الماء قبل طلوع روحی من جسدی؛ ای مردم بی مروت! ای خلق بی حمیت! یک شربت آب به من دهید پیش از آن که روح از بدنم مفارقت نماید؛

به سبط پیمبر خدا را ثوابی

شما را گر از قتل من نیست چاره

مصیبت هشتم

منسوب به آن جناب است که به درگاه الهی عرض می کرد:

ترکت الناس طراً فی هواکا

آه آه! نمی دانم در چه وقت این کلمات را می فرمود؛ آیا آن زمانی که تیر سه شعبه در قلب مبارکش نشست و خون مانند ناودان از آن جریان داشت و دست مبارک به زیر خون می داشت و بر سر و روی مبارک می مالید و می فرمود: هکذا اکون حتی القی جدی رسول الله و اقول قتلنی فلان و فلان؟، یا آن زمانی که صالح ابن وهب علیه اللعنه چنان نیزه بر پهلوی مبارکش زد که از اسب در غلطید و آسمان وجودش بر بسیط زمین قرار گرفت؛

چو پهلوی شد ز جنب الله پاره

ص: ۸۹

مصیبت نهم

اگر در صحرای کربلا، هیچ زخمی به بدن مطهر امام حسین علیه السلام نمی رسید و سر مبارکش را از بدن اطهرش جدا نمی کردند، فقط آن تیری که بر

قلب مبارکش آمد، در شهادت آن جناب کافی بود؛ آن وقتی که بوالحتوف ملعون تیری از کمان رها کرد و بر پیشانی مبارکش نشست و به روایتی، سنگی چنان بر پیشانی مبارکش زد که درهم شکست؛

ز کف، سنگین دلی، سنگی رها کرد

خون بر روی و موی مبارکش جاری شد. برای آن که خون از چهره ی پاک خود پاک نماید، دامن زره به یک سو کرد و پیراهن خود را بر کشید، قلب مبارکش چون آفتاب درخشان ظاهر گشت؛ فَأَتَاهُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ لَهُ ثَلَاثَةُ شُعَبٍ؛

چو دامن کرد بالا، شد نمایان

مصیبت دهم

یکی از مصائب بزرگ امام حسین علیه السلام، وداع آخرین او با اهل بیت

ص: ۹۰

طاهره است. درست تصور فرما که حالت آن حضرت و اهل بیت او در آن حال چگونه و چه بوده، در صورتی که می دانستند دیگر آن حضرت را نخواهند دید مگر با سر بریده و تن در خاک و خون آغشته؛ نه یاری، نه مددکاری، همه غریب و بی کس و بی یار و یک بیابان دشمن قسی القلب بی رحم.

قالت سکینه: یا ابتاه! استسلمت للموت؛ سکینه عرض کرد: ای پدر بزرگوار! آیا تن به مرگ در داده ای؟

فرمود:

کیف لایستسلم للموت من لناصر له ولا معین؛ چگونه تن به مرگ در ندهد کسی که یار و یآوری ندارد؟

سکینه بر سر زد و بنای ناله و نوحه را گذاشت.

امام حسین علیه السلام فرمود:

لا تحرقی قلبی بدمعک حسره مادام منی الروح فی جثمانی، فاذا قتلت فانّی اولی بالذی تأتینه یا خیره النسوان؛

سکینه جانم، ای جانان بابا

ص: ۹۱

لیست آثار حضرت آیت الله العظمی صافی مدظله العالی

نام کتاب ----- زبان ----- ترجمه

قرآن و تفسیر

۱ - تفسیر آیه فطرت ----- فارسی -----

۲ - القرآن مصون عن التحریف ----- عربی -----

۳ - تفسیر آیه التطهیر ----- عربی -----

۴ - تفسیر آیه الانذار ----- عربی -----

حدیث

۵ - منتخب الاثر در ۳ جلد ----- عربی - اردو/انگلیسی -----

--- غیبه المنتظر ----- عربی -----

۶ - قبس من مناقب امیرالمؤمنین (ع) (مئه و عشر حدیث من کتب عامه) ----- عربی ----- فارسی

۷ - احادیث الائمة الاثنی عشر، اسنادها و الفاظها ----- عربی -----

۸ - احادیث الفضائل ----- عربی -----

----- پرتوی از فضائل امیرالمؤمنین (ع) ----- فارسی

فقه

۹ - توضیح المسائل ----- فارسی -----

- منتخب الاحکام ----- فارسی -----

۱۰ - احکام نوجوانان ----- فارسی ----- انگلیسی

۱۱ - جامع الاحکام در ۲ جلد ----- فارسی -----

۱۲ - استفتائات قضایی ----- فارسی -----

۱۳ - استفتائات پزشکی ----- فارسی -----

۱۴ - مناسک حج ----- فارسی ----- عربی

۱۵ - مناسک عمره مفرده ----- فارسی ----- عربی

۱۶ - هزار سؤال پیرامون حج ----- فارسی -----

۱۷ - پاسخ کوتاه به ۳۰۰ پرسش در ۲ جلد ----- فارسی ----- آذری

ص: ۹۲

- ۱۸ - احكام خمس ----- فارسی -----
- ۱۹ - اعتبار قصد قربت در وقف ----- فارسی -----
- ۲۰ - رساله در احكام ثانويه ----- فارسی -----
- ۲۱ - فقه الحج در ۴ جلد ----- عربی -----
- ۲۲ - هدايه العباد در ۲ جلد ----- عربی -----
- ۲۳ - هدايه السائل ----- عربی -----
- ۲۴ - حواشی علی العروه الوثقی ----- عربی -----
- ۲۵ - القول الفاخر فی صلاه المسافر ----- عربی -----
- ۲۶ - فقه الخمس ----- عربی -----
- ۲۷ - أوقات الصلوه ----- عربی -----
- ۲۸ - التعزیر (احكامه و ملحقاته) ----- عربی -----
- ۲۹ - ضروره وجود الحکومه ----- عربی ----- فارسی
- ۳۰ - رساله فی معاملات المستحدثه ----- عربی -----
- ۳۱ - التداعی فی مال من دون بينه ولايد ----- عربی -----
- ۳۲ - رساله فی المال المعین المشتبه ملکيته ----- عربی -----
- ۳۳ - حکم نکول المدعی علیه عن اليمين ----- عربی -----
- ۳۴ - ارث الزوجه ----- عربی -----
- ۳۵ - مع الشيخ جاد الحق فی ارث العصبه ----- عربی -----
- ۳۶ - حول دیات ظریف ابن ناصح ----- عربی -----
- ۳۷ - بحث حول الاستسقام بالالزام (مشروعيه الاستخاره) ----- عربی -----

- الرسائل الخمس ----- عربى -----

۳۸ - الشعائر الحسينيه ----- عربى -----

- آنچه هر مسلمان بايد بداند ----- آذرى -----

اصول فقه

۳۹ - بيان الاصول در ۳ جلد ----- عربى -----

۴۰ - رساله فى الشهره ----- عربى -----

ص: ۹۳

۴۱ - رساله فی حکم الاقل و الاکثر فی الشبهه الحکمیة ----- عربی -----

۴۲ - رساله فی الشروط ----- عربی -----

عقاید و کلام

۴۳ - عرض دین ----- فارسی -----

۴۴ - به سوی آفریدگار ----- فارسی -----

۴۵ - الهیات در نهج البلاغه ----- فارسی -----

۴۶ - معارف دین در ۲ جلد ----- فارسی -----

۴۷ - پیرامون روز تاریخی غدیر ----- فارسی -----

۴۸ - ندای اسلام از اروپا ----- فارسی -----

۴۹ - نگرشی بر فلسفه و عرفان ----- فارسی -----

۵۰ - نیایش در عرفات ----- فارسی -----

۵۱ - سفرنامه حج ----- فارسی -----

۵۲ - شهید آگاه ----- فارسی -----

۵۳ - نوید امن و امان ----- فارسی ----- آذری

۵۴ - پاسخ به ده پرسش ----- فارسی -----

۵۵ - اصالت مهدویت ----- فارسی -----

۵۶ - تجلی توحید در نظام امامت ----- فارسی ----- عربی

۵۷ - نظام امامت و رهبری ----- فارسی -----

۵۸ - ولایت تکوینی و ولایت تشریحی ----- فارسی -----

۵۹ - پیرامون معرفت امام ----- فارسی -----

- ۶۰ - عقیده نجات بخش ----- فارسی -----
- ۶۱ - به سوی دولت کریمه ----- فارسی -----
- ۶۲ - باورداشت مهدویت ----- فارسی ----- عربی
- ۶۳ - انتظار، عامل مقاومت و حرکت ----- فارسی -----
- ۶۴ - فروغ ولایت در دعای ندبه ----- فارسی ----- عربی
- ۶۵ - معرفت حجت خدا ----- فارسی -----
- ۶۶ - وابستگی جهان به امام زمان ----- فارسی -----
- ۶۷ - توضیحات پیرامون کتاب عقیده مهدویت در تشیع امامیه ----- فارسی ----- انگلیسی
- ۶۸ - پیام های مهدوی ----- فارسی -----
- ۶۹ - گفتمان مهدویت ----- فارسی ----- انگلیسی

- امامت و مهدويت ----- فارسي -----
- ٧٠ - گفتمان عاشورايي ----- فارسي -----
- ٧١ - مقالات كلامي ----- فارسي -----
- ٧٢ - الي هدي كتاب الله ----- عربي -----
- ٧٣ - ايران تسمع فتجيب ----- عربي -----
- ٧٤ - رساله حول عصمه الانبياء و الائمة ----- عربي -----
- ٧٥ - تعليقات على رساله الجبر و القدر ----- عربي -----
- لمحات في الكتاب و الحديث و المذهب ----- عربي -----
- ٧٦ - صوت الحق و دعوه الصدق ----- عربي -----
- ٧٧ - رد اكدوبه خطبه الامام علي (ع)، على الزهرا (س) ----- عربي -----
- ٧٨ - مع الخطيب في خطوطه العريضه ----- عربي ----- اردو/ فرانسه
- ٧٩ - رساله في البداء ----- عربي -----
- ٨٠ - جلاء البصر لمن يتولى الائمة الاثني عشر ----- عربي -----
- ٨١ - حديث افتراق المسلمين على ثلاث و سبعين فرقه ----- عربي -----
- ٨٢ - من لهذا العالم؟ ----- عربي -----
- ٨٣ - بين العلمين، الشيخ الصدوق الشيخ المفيد ----- عربي -----
- ٨٤ - مقدمات مفصله على «مقتضب الاثر» و «مكيال المكارم» و «منتقى الجمان» ----- عربي -----
- ٨٥ - امان الامة من الضلال و الاختلاف ----- عربي -----
- ٨٦ - البكاء على الامام الحسين (ع) ----- عربي -----
- ٨٧ - النقود اللطيفه على الكتاب المسمى بالاخبار الدخيله ----- عربي -----

۸۹- راه اصلاح (امر به معروف و نهی از منکر) ----- فارسی -----

۹۰- با جوانان ----- فارسی -----

تاریخ

۹۱- سیرحوزه های علمی شیعه ----- فارسی -----

۹۲- رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی) ----- فارسی -----

سیره

۹۳- پرتوی از عظمت امام حسین (ع) ----- فارسی -----

- آینه ی جمال ----- فارسی -----

- از نگاه آفتاب ----- فارسی -----

- اشک و عبرت ----- فارسی -----

تراجم

۹۴- زندگانی آیت الله آخوند ملامحمد جواد صافی ----- فارسی -----

۹۵- زندگانی جابر بن حیان ----- فارسی -----

۹۶- زندگانی بوداسف ----- فارسی -----

شعر

۹۷- دیوان اشعار ----- فارسی -----

۹۸- بزم حضور ----- فارسی -----

۹۹- آفتاب مشرقین ----- فارسی -----

۱۰۰- صحیفه المؤمن ----- فارسی -----

۱۰۱- سبط المصطفی ----- فارسی -----

۱۰۲ - در آرزوی وصال ----- فارسی -----

مقاله ها و خطابه ها

۱۰۳ - حدیث بیداری (مجموعه پیام ها) ----- فارسی -----

۱۰۴ - شب پرگان و آفتاب ----- فارسی -----

- شب عاشورا ----- فارسی -----

- صبح عاشورا ----- فارسی -----

۱۰۵ - با عاشورایان ----- فارسی -----

ص: ۹۶

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

